

برای تعیین نمایندگان مجلس خبرگان، دیروز در سراسر ایران:

میلیونها نفر در انتخابات شرکت کردند

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

این شماره: ۱۲ صفحه

دوره هفتم، سال اول، شماره ۴۸
شنبه ۱۳ مردادماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

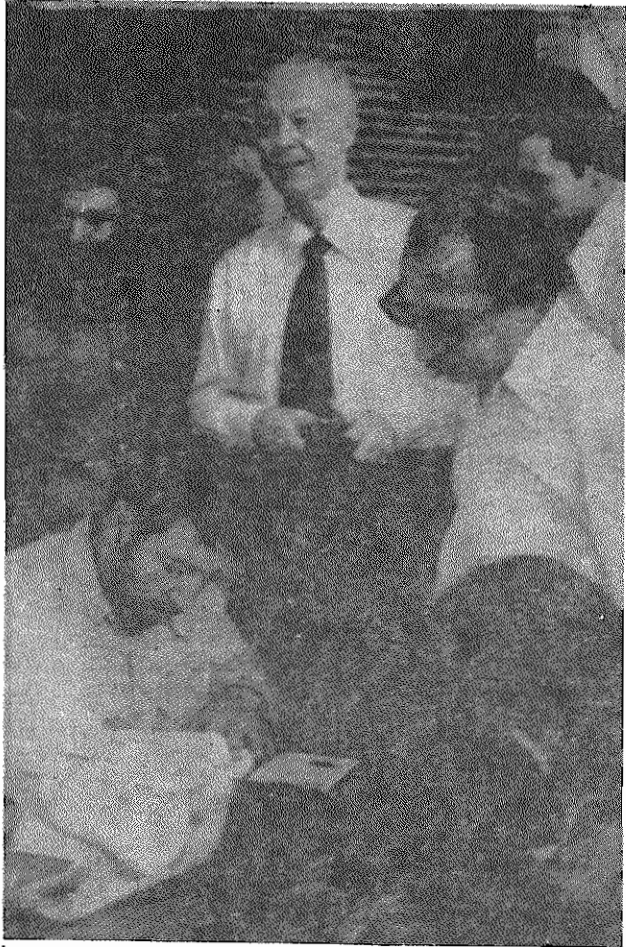
نامزدهای
حزب توده ایران،
اعضاء، هواداران و
دوستان حزب ما،
همراه با میلیونها ایرانی
به پای صندوق ها
رفتند و رأی دادند

صفحه ۱۲

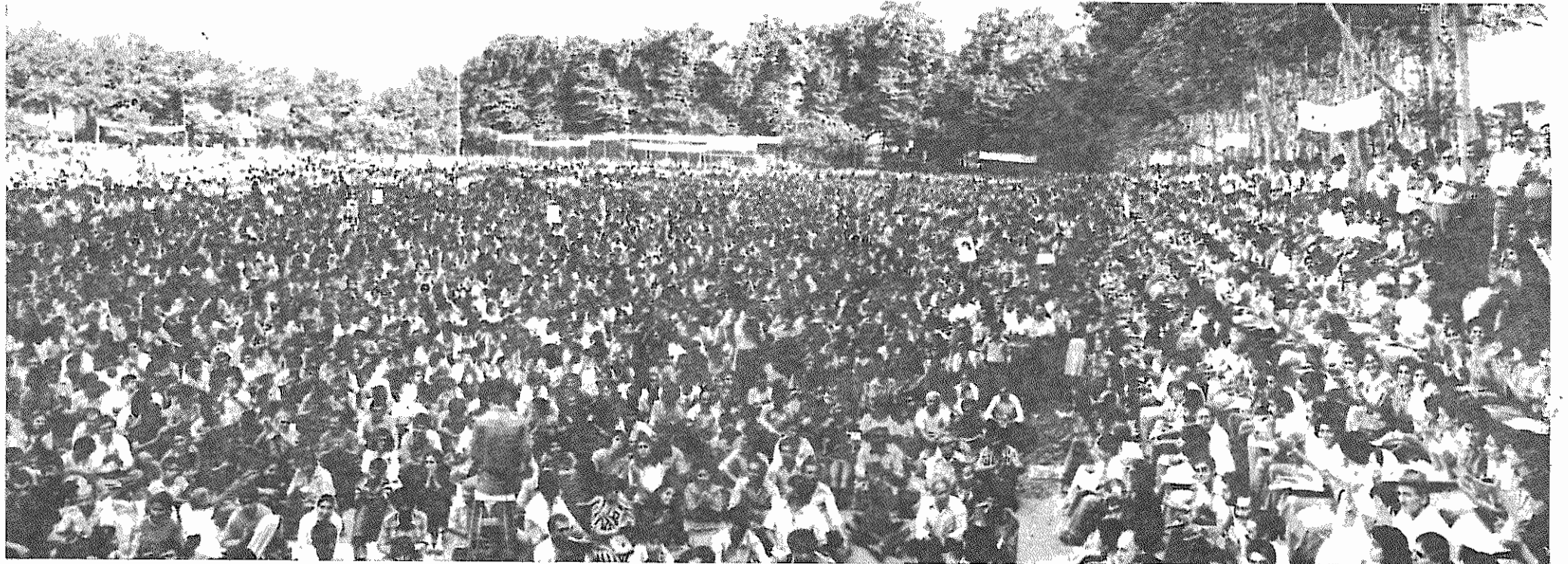
روز چهارشنبه ۱۰ مرداد، با شرکت
۳ نامزد مجلس خبرگان برگزار شد:

میتینگ بزرگ

انتخاباتی حزب توده ایران



رفیق احسان طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، نامزد نمایندگی مجلس خبرگان از تهران، آماده رأی دادن



رفیق احسان طبری در این اجتماع گفت:

- حزب ما، در همه عرصه ها، خواستار وحدت است
 - تفرقه نبروهای مترقی، حربه دوزخی ضد انقلاب است
- (صفحه ۷ - ستون اول)

رفقا احسان طبری، مریم فیروز و صابر محمدزاده

مواضع، دیدگاهها و خواستهای حزب توده ایران را از قانون اساسی شرح دادند.

(صفحات ۷ و ۶)

دهها هزار نفر در میتینگ بزرگ انتخاباتی حزب توده ایران در زمین چمن دانشگاه تهران شرکت داشتند

قانون اساسی ایران باید بازتاب انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران باشد

در صفحات

بعد:

عزم انقلابی
مردم در برابر
توطئه های
ضد انقلاب
قاطع است
(صفحه ۲ - ستون اول)

جنگ روانی
امپریالیسم و چگونگی
بازتاب آن در برخی
مطبوعات
(صفحه ۹ - ستون اول)

چین
گر به
عابد
شده!

(صفحه ۲ - ستون سوم)

سیر و سر نوشت انقلاب
مشروطیت و در سهایی
که از آن میتوان
آموخت
(صفحه ۱۰ - ستون اول)

عزم انقلابی مردم در برابر توطئه‌های ضدانقلاب قاطع است

کرد و آنرا به ارتش ملی و مردمی تبدیل نمود. باید سازمان «ضد اطلاعات» ارتش و بازمانده متشکل «ساواک» را، که هر دو سازمانهای جاسوسی و اعمال سلطه قهرآمیز امپریالیسم امریکا است، منحل کرد.

باید فهرست نام ساواکها را که در اختیار دولت مقامات مسئول است، انتشار داد تا دندان زهر این مارها که گاه خیلی هم خوش خط و خالند، کشته شود و اعتماد مردم نسبت به هم بیشتر و در نتیجه اتحاد آنها مستحکم تر شود. خلاصه توطئه‌گری امپریالیسم ضدانقلاب را باید از ریشه خشکی کرد. در آن صورت شایه پراکنی‌های ضدانقلابی نیز با استهزاء بیشتری روبرو خواهد شد و کمترین اثری نخواهد داشت.

برای خشکی کردن توطئه‌های ضدانقلابی، علاوه بر این باید تمام جنایات و فجایع و فساد رژیم سرنگون شده را فاش کرد و بدین وسیله شورانقلابی مردم را پیوسته فروزان نگاهداشت. این افشاگری باید یکی از پایه‌های مهم تبلیغات انقلابی باشد، تا تبلیغات ضدانقلابی به صخره خشم مردم برخورد کند و یکلی خشکی گردد.

و نیز باید در عرصه بین‌المللی دوستان و دشمنان انقلاب ایران را، چنانکه هستند، بجا به‌دوست و دشمن معرفی کرد. نباید در تشخیص دوست و دشمن انقلاب در اذهان مردم ایجاد ابهام نمود نباید بیجهت، بصورت ترجیح‌بند گفته‌ها و نوشته‌ها، امپریالیسم امریکا، این دشمن‌گذار انقلاب مردم ما را، با اتحاد شوروی، که در عمل از انقلاب حمایت کرد و از پیروی آن خوشنود است، همگون معرفی کرد. نپذیرفتن دست دوست، تقویت دشمن است.

برای خشکی کردن توطئه‌های ضدانقلاب هم‌چنین باید برای تقویت اتحاد تمام‌نبره‌های واقعا انقلابی با تمام قوا کوشید. برای رسیدن باین مقصود نباید بر اختلافات عقیدتی دامن زد، بلکه باید بروح مشترک تکیه کرد. امپریالیسم و متحدین ضدانقلابی وی در درون کشور تنها دشمنان انقلاب پیروزمند ایرانند. تمام نیروهایی که باین واقعت معتقدند، میتوانند درجهبه واحد خلق با یکدیگر متحد گردند. ایجاد چنین جبهه‌ای شدنی است و باید در آن با تمام قوا کوشید. تشکیل این جبهه ضامن پیروزی قطعی و نهائی انقلاب است.

عزم انقلابی مردم در برابر توطئه‌های ضدانقلاب در حال حاضر قاطع است. این قاطعیت را با اقداماتی که بر سر مردم باید حفظ کرد، از رخنه دشمن انقلاب در آن جلوگیری کرد و همواره در تقویت آن کوشید. تلاش ضدانقلاب، از جمله بوسیله تبلیغات دروغین بی‌پروا، برای شکستن این قاطعیت انقلابی خلق، طبیعی است. هیچ ضدانقلابی، هیچگاه و در هیچ کجا بدون مقاومت و جسیانه به شکست خود تن در نداده. بنابراین نبرد علیه ضدانقلاب در همه زمینها باید تا شکست کامل آن ادامه یابد. بعبارت دیگر، انقلاب باید تا پیروزی کامل وی بازگشت ادامه یابد. برای ادامه انقلاب نیروی لازم و کافی وجود دارد و این نیرو در عزم انقلابی توده‌های میلیونی مردم متجلی است. باتکیه بر این نیرو، انقلاب بزرگ ایران به پیروزی قطعی و نهائی خواهد رسید.

تبلیغات دامنه‌داری از سوی دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم و مزدورانش برای «دل دادن» به عوامل ضدانقلابی و بازماندگان رژیم سفاک و ازگون شده در گرفته است. این تبلیغات، مردعیاش و فاسدی را نظیر اردشیر زاهدی همچون «ابرمردهای» فیلم‌های وسترن، از تنداب رودخانه‌ها و از کوه‌های صعب‌العبور میگذرانند تا با دوربین از نوک کوهی در کنار مرز به خاک ایران بنگرد؛ اوپسی را با چانه پهن و نگاه‌های خشمگین و در حال اجرای عملیات معرفی میکند. برای شاه بر سر قله کوه، «دژ» میسازد و برایش «کابینه» تشکیل میدهد و عکسش را با چهره غضبناک و دندانهای فشرده چاپ میکند، با این وعده که تا یکماه دیگر باز خواهد گشت! این تبلیغات، که برخی نیز تحت عنوان افشای شایعات بدان دامن میزنند، هدفش ایجاد هراس در بین مردم، سست کردن اعتقاد مردم به پیروزی انقلاب، تشویق عناصر ضدانقلابی، تقویت روحیه آنها برای شکل و عمل ضدانقلابی است.

دروغ گستاخانه، که از نظر سیستم تبلیغاتی امپریالیسم اثر میگذارد، پایه و مایه این گونه تبلیغات است. ولی این تبلیغات دروغین خود بخشی از سیستم توطئه‌گری امپریالیسم، و به‌ویژه امپریالیسم امریکا است، که هنوز امیدوار است «بهشت گم شده» خود را در ایران بازستاند و کشور ما را مجدداً بدل به جهنمی‌سوزان برای مردم آن کند.

برای قطع این امید و در نتیجه خشکی کردن توطئه‌گرهای امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی باید آن رشته‌های نفوذ اقتصادی و نظامی و جاسوسی را، که امپریالیسم هنوز در کشور ما دارا است، قطع کرد، ریشه‌های درخت توطئه‌گرها را باید قطع کرد تا شاخ و برگ آن خشک شود. باید آن بخشی از اقتصاد ایران را که هنوز به سرمایه‌های انحصارهای کشورهای امپریالیستی وابسته است، ملی کرد. باید در قرارداد دو جانبه نظامی با امریکا را لغو کرد و استقلال سیاسی نظامی ایران را تأمین نمود. باید مستشاران نظامی امریکائی را اخراج کرد و ارتش را از بنیاد نوسازی کرد.

چه کسی مسئول تهدید آزادی است؟

چنانکه دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران طی نامه‌ای، در تاریخ هشتم مرداد، به دفتر نخست‌وزیری و کمیته نظارت بر گزینش و انتصابات و وزارت کشور اطلاع داده بود، مبلغین و موزعین اعلامیه‌های انتخاباتی حزب توده ایران در نقاط مختلف شهر مورد ایذا عناصر مشکوک قرار گرفته و اوراق معرفی نامزدهای انتخاباتی حزب توده ایران را عده‌ای مهاجم پاره کرده و مبلغین و موزعین را بشدت مضروب و مجروح ساخته بودند. حزب توده ایران در آن نامه از دولت خواست که برای تأمین حق آزادی انتخابات اقدامات لازم را بعمل آورد و برای فعالیت آزاد نامزدان مجلس خبرگان شرایط ضرور را تأمین کند.

آقای صباغیان، وزیر کشور، در یک گفتگوی تلفنی با خبرگزاری پارس، در واقع بطور غیر مستقیم با پاسخ داد. آقای وزیر کشور گفت: «شاید این اقدام توسط گروه‌های دیگری شرکت کننده و در راه مبارزه تبلیغاتی صورت گرفته باشد.»

این اقدام، یعنی پاره کردن پوسته‌های حزب توده ایران و مضروب و مجروح ساختن اعضاء و هواداران حزب، از جانب هر سازمان و هر گروه و دسته و بهر قصد و نیتی که صورت گرفته باشد، ذره‌ای از مسئولیت دولت در مورد پاسداری از آزادی انتخابات و تأمین حق افراد، سازمانها و احزاب برای فعالیت انتخابی کم نمیکند.

چه کسی مسئول تهدید آزادی است؟ چه کسی باید ماهوت گروه‌هایی را، که چاقو و نردبان بدست، از دیوارهای شهر بالا می‌روند تا پوسته‌های نامزدان انتخاباتی حزب ما را پاره کنند، بشناسد و آنانرا به مجازات برساند؟ چه کسی باید جلوی اوپاشانی را که به مبلغین حزب ما در کوچه و خیابان حمله می‌برند، بگیرد و آنانرا بجرم تهدید و تهدید آزادی انتخابات، بجرم ضرب و جرح عمدی به کف برساند؟ آیا صرف اینکه آزادی انتخابات از جانب دولت تهدید نشده، کافی است که دولت دست روی دست بگذارد و تحت این عنوان کسه‌گویا این اقدامات «جزع مبارزه انتخاباتی» گروه‌های مختلف است، در برابر این اعمال آزادی‌کش ساکت بماند؟

آیا دولت مسئول حفظ امنیت نیست؟ آیا دولت مسئول حفظ جو سالم انتخاباتی، بنحوی که همه افراد، گروه‌ها، احزاب و سازمانها بتوانند در محیطی خالی از تهدید و ارباب نظریات خود را تبلیغ کنند، نبوده؟ آیا آقای وزیر کشور، که عملاً از دولت در این زمینه سلب مسئولیت کرده، فکر کرده است که اگر قرار بود احزاب و سازمانها و گروه‌ها در قبال این اقدامات «مخل آزادی» خود به دفاع عملی از حق خویش برخیزند، چه منظره‌ای بوجود می‌آمد و چه عواقبی داشت؟ ما در برابر اینگونه اعمال ضد آزادی، که مسلماً از سوی ساواکی‌ها، عناصر وابسته به رژیم پیشین، راست‌گرایان افراطی و واخوردگان «چپ نما» انجام گرفت، خونسردی خود را از دست ندادیم، ولی مسئول این وقایع، را دولت می‌شناسیم کسه وظیفه‌دار تأمین آزادی برای همه احزاب، سازمانها و گروه‌ها، شرکت کننده در انتخابات بود.

چرا سفیر ایران در عراق امریکارا تبرئه میکند؟

به نظر میرسد، برخی از افراد، آنها افرادی در مشاغل مسئول، دانسته و یا ندانسته، با اظهارات غیرمسئولی میخواهند برواقعیات پرده بکشند و با عنوان مسائل نادرست، دشمن واقعی مردم را از انظار پنهان کرده، از زیر ضربه خارج سازند.

نمونه این برخورد غیرمسئول و نادرست که بود امپریالیسم تمام میشود، اظهارات سفیر ایران در عراق است، که در کیهان روز سه‌شنبه نهم مردادماه درج شد.

حجت‌الاسلام سید محمود دعائی به کیهان گفته است، در آشفتگیهای غرب کشور دست چپ‌ها را به روشنی می‌بینم و بویژه عناصر وابسته به شوروی را.

گذشته از اینکه سفیر ایران در عراق، هیچ مدرک و شاهی برای گفتار خود نمی‌آورد، معلوم نیست که چرا آنچیزی را که ایشان به «روشنی» دیده‌اند، کاملاً مخالف با همه اخبار و بویژه اظهارات امام است. دیگر کمتر کسی است که نداند امپریالیسم زخم خورده، به سرکردگی امپریالیسم خونخوار امریکا، با استفاده از مزدورانی چون پالیزبان، اوپسی، زاهدی و عمال ساواک و سها و موساد در ایران در کار توطئه و تفتین است. و این واقعت بر همه روشن است که روزی نیست که توطئه تازه‌ای از جانب امپریالیسم فاش نشود. در حالیکه نه تنها یک مورد ناچیز از دخالت اتحاد شوروی در ایران دیده نشده، بلکه این کشور، چنانکه در سخنان سفیر ایران در شوروی هم متعکس بود، از انقلاب ایران دفاع کرده و میکند.

اندکی توجه به تفسیرهای رادیو مسکو و مقایسه آن با توطئه عظیم تبلیغاتی رسانه‌های گروهی امپریالیسم علیه ایران، که در مطبوعات ایران هم چاپ میشود، هر شخصی را کسه ذره‌ای واقع‌بین یا نا حسن نیت باشد، به این واقعت مطمئن میکند که اتحاد شوروی دوست و امپریالیسم خونخوار امریکادشمن غدار مردم ایران است. این واقعت را امام، بارها و بارها، با اعلام اینکه «امریکا دشمن اصلی انقلاب ایران است»، «این توطئه‌ها زیر سر امریکا است» برای مردم ایران فاش کرده‌اند. آن وقت عجیب بنظر میرسد که سفیر ایران، دانسته یا ندانسته، با حذف دخالت امریکا در رویدادهای غرب کشور، حتی فعالیت‌های پالیزبان را هم «شایعه» میدانند و مسئول قلمداد کردن (شوروی و عناصر وابسته به آن)، عملاً امپریالیسم امریکا و بازماندگان رژیم پهلوی را تبرئه میکنند.

سریعا باید گفت که چنین اظهاراتی، سوا از نیتی که در بیان آن وجود دارد، به سود ضد انقلاب و به زیان انقلاب تمام میشود و خارج کردن امپریالیسم خونخوار امریکا از زیر ضربه، آب به آسیاب امپریالیسم و ضدانقلاب میریزد.

چین (گر به عابد شده)

بوده، چرا خوش رقصی کرده است! «عذر خواهی» هوا کوفنک توبه «گر به عابد شده» است. دولتی که قرارداد «صلح» مصر و اسرائیل را بر ضد جنبش آزادیبخش فلسطین تا آنجا تأیید میکند که به انور سادات هم جنگنده و یدکی برای جنگنده «هدیه» میدهد، به دولت خونخوار و تاملز استخوان ضد مردمی رژیم، اسلحه برای قتل عام مردم عاصی ناحیه‌ها می‌دهد، در کنار نیروهای مزدور غرب امپریالیستی، کارشناس نظامی بر ضد آنگولا میفرستد، به رژیم ژادیرست فاشیستی افریقای جنوبی بر ضد جنبش استقلال طلبانه نامی بسا مدد «تجاری» میرساند، با رژیم فاشیستی شیلی بهترین مناسبات را در تمام سطوح برقرار میکند، به خلق ویتنام که پس از ۳۰ سال مبارزه خونین استقلال طلبانه تازه می‌خواهد گام در راه سازندگی کشور بردارد، بی‌دردی، بسا بر بریتی که روی چنگیز خان و امپریالیسم ددمنش امریکا راسفید کرده، «درس عبرت» میدهد، هر کجا که دستش میرسد، از ایتالیا لیا گرفته تا ایران، باندهای خرابکار تشکیل میدهد و بوسیله آنها عمل‌نبره‌های ارتجاعی افراطی را تقویت میکند، همه‌جا، از سازمان ملل گرفته تا هر مجمع بین‌المللی، در کنار امپریالیسم امریکاهمه‌دول

آقای آقاشاهی، که نقش‌وزیر خارجه حکومت دیکتاتوری نظامی پاکستان را بر عهده دارد، طی مسافرتی بایران و ضمن دیداری با امام خمینی، حاصل پیامی از هوا کوفنک، رئیس دولت جمهوری خلق چین بوده است. در این پیام، هوا کوفنک از اینکه در بحبوحه فusch و اعتسالی جنبش انقلابی ایران به «حضور شاهنشاه شرفیاب شده»، از امام «معذرت» (۱) خواسته و دلیل این «شرفیابی» را «فرود اجباری» در تهران دانسته، که بسبب درازی راه و نیز دعوت رسمی از وی بوده است! ولی وی نگفته است که چرا در این «فرود اجباری» در پیروی از مشی دولت امریکا، با «قاطعیت» از شاه آدمکش در برابر جنبش آزادیبخش مردم ایران حمایت کرد، سیاست نظامیگری شاه خائن را مورد تأیید قرارداد، به نقش که او بعنوان ژاندارم منطقه بر عهده گرفته بود، صحنه گذارد و آنرا لازم شمرد، تبدیل ایران به پایگاه نظامی امپریالیسم امریکا بر ضد اتحاد شوروی را «اخذ رهنمود» دانست و خلاصه تمام جوانب سیاست و عمل شاه مخلوع را، که بدستور واشنگتن اجرا میشد، در بست مورد پشتیبانی قرارداد «هوا کوفنک از «فرود اجباری» خود، که طبق «دعوت رسمی» صورت گرفته، معذرت خواسته ولی نگفته است که چرا در این «دعوت رسمی» رقصید و اگر رقص او هم «اجباری»

حزب توده ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از انتشارات حزب توده ایران منتشر شد.

کتابخانه «مردم» در حال تشکیل است منتظر کمک شما هستیم
دفتر «مردم» در کار تشکیل يك کتابخانه است تا بتواند تسهیلات لازم را برای کار هیئت تحریریه فراهم آورد.
از اعضاء، هواداران و دوستان حزب خواهشمندیم به تحقق این امر لازم و مفید کمک کنند.
لطفاً کتابهای اهدائی را، از هر نوع و با هر چاپ، به دفتر «مردم» ارسال دارید. اگر تعداد کتب اهدائی زیاد است، زنگ بزنید، دفتر «مردم» ترتیب حمل آنرا خواهد داد. با سپاس، «مردم»

جنگ روانی امپریالیسم و چگونگی بازتاب آن در برخی از مطبوعات

امپریالیسم، یسایهای توطئه جینی و دیسه بازیهای بشمار علیه انقلاب ما، بازار شایعه پراکنی را گرم نگاه داشته است. به گفته سخنگوی دولت دکتر طباطبائی، ۶ میلیون دلار از سوی امپریالیسم و ضدانقلاب خارج از کشور به گروههای معینی تخصیص داده شده، که وظیفه آنان ایجاد تردید، ترس و نگرانی در مردم و شایعه سازی و شایعه پراکنی است و هدف آن، دل دادن به ضدانقلاب.

تازه ترین شایعه ما، به گفته سخنگوی دولت، مصاحبه رادیوی آلمان فدرال با شاه مخلوع ایران است که برخی از روزنامهها و مجلات با «عکس و تفصیلات» و تهرهای درشت و چشمگیر، یک خبر جنجالی، از آن ساخته و به مردم «مژده» دادند که گویا شاه مخلوع تا یکماه دیگر به ایران بازخواهد گشت، بولهای دزدی راه ایران بازخواهد گرداند و بختیار ویالیزبان، این نوکران سرسپرده امپریالیسم، را به سمت نخست وزیر و وزیر دفاع خود منصوب خواهد نمود!

برای کسی که با الفبای سیاست آشنا باشد، وضع ایران و جهان را تا حدودی بشناسد و درجه پیکار جوئی مردم را دریافته باشد، روشن است که شرایط ایران و جهان وجود مردم از خود گذشته ای که در پنجمین ماه انقلاب، اسلحه به کف، آماده همه گونه جانپازی و فدائاری برای حفظ دستاوردهای انقلابند، امکان بازگشت محمد زشای مخلوع و تجدید اوضاع گذشته راه صفر میسراند. ما از سخنگوی دولت متحیریم که بدون توجه به هدفهای مویزانه دشمن، با افشاء مصاحبه ای که سراپا پاره گوئی است، به روزنامههای جنجالی، خوراک تازه میدهد. مگر نمیشد برای اثبات جنگ روانی امپریالیسم علیه انقلاب ما، از دهها واقعه ای استفاده کرد که امروز بی بایگی آن اثبات شده است؟

در این زمینه نمیتوان از نقش که برخی از مطبوعات در نشر اکاذیب و رنگ و روغن زدن، به شایعات ضد انقلاب برعهده گرفته اند، سر سری گذشت. برای ایمن قبیل روزنامهها و مجلات، هر شایعه دروفی بهانه ای است. برای آنکه تصاویر منفور شاه مخلوع، مردان و زنان در باری و عوامل خیانت پیشه آن را در صفحات اول روزنامه و پشت جلد مجلات خود چاپ کنند. اینان با انتخاب درشت ترین عناوین، از یک شایعه دروغ بی ارزش، یک خبر جنجالی و بقول خود «هیجان انگیز» میسازند. این قبیل روزنامهها و مجلات، اگر هم دست و همکار ضد انقلاب نباشند، حداقل ندانسته با آن خدمت میکنند و علاقه ای به سر نوشت انقلاب ندارند.

وظیفه مطبوعات دوران انقلاب آن نیست که اراجیف و پاره گوئیها و شایعه سازیهای ضد انقلاب را بشکل جنجالی و هیجان انگیز بپخش کنند، تا دانسته یا ندانسته، به ضد انقلاب قوت قلب ببخشند. وظیفه مطبوعات دوران انقلاب آنست که هماهنگ با اهداف انقلاب ملی و دموکراتیک ما حرکت کنند، توطئه های امپریالیسم و ارتجاع را فاش نمایند و منادی اتحاد و اتفاق خلق باشند، نه جارچی تفرقه و یاس و پراکنندگی.

واکنش مردم - درس خوبی...

پتیه از صفحه ۱۱
روز پنجشنبه ۱۳۵۸/۴/۲۱
سه تن از هوا داران حزب توده ایران، که در نقاط مختلف خرابان امام ارومیه، مشغول فروش روزنامه مردم بودند، مورد حمله افراد مشکوک و اخلاک فرار گرفتند. جریان از این قرار بود که حدود ساعت ۱۵/۱۰، یک نفر خطاب به مسئول فروش «مردم» در نزدیکی چهار راه خیام، شروع به فحاشی میکند و فرد دیگری، که ابتدا میرسد، تعداد ۷ نسخه این نشریه را از دست فروشنده گرفته میخواید پاره کند. رهگذرانیکه متوجه جریان شده بودند، سعی میکنند روزنامهها را از دست وی بگیرند، ولی موفق نمیشوند و نشریات را پاره میکند. چند لحظه بعد در نتیجه طرفداری مردم از رفیق فروشنده و انتقاد شدید آنها از اعمال ضد انقلابی اخلاکوران، این افراد از محل دور میشوند. در همین اثنا و در نزدیکیهای همین محل، رفیق فروشنده روزنامه آذربایجان، ارگان فرقه دمکرات آذربایجان، با فحاشی عده ای عناصر مشکوک مواجه میشود، که با دخالت مردم و برخورد منطقی رفیق فروشنده، از ادامه برخورد جلوگیری میشود.

سلاح امپریالیسم و ضد انقلاب:

شایعه سازی برای ایجاد بدبینی و هراس در مردم

شایعات، از شایعه سازی درباره رهبر انقلاب و یاران نزدیک ایشان، به شکل های گوناگون، آغاز میشود و همه جامعه، بویژه نیروهای مترقی را در بر میگیرد.

با آغاز ماه رمضان، ضد انقلاب در سطح گسترده ای، از یکی دیگر از حسره های خود، یعنی شایعه استفاده کرد.

هدف از پخش شایعات، که عمدتاً در میان بورژوازی و خرده بورژوازی شهری پخش میشود و به سرعت گسترش مییابد و اساساً بر تبلیغات وسیع ضد انقلاب درباره از راه رسیدن «فاشسم جدید» و «دیکتاتوری نملین» تکیه دارد، ایجاد هراس و بدبینی در میان مردم است. کمتر روزی است که یکی از شایعات ضد انقلابی را از دهان این و آن نشنویم. یک روز همه جا گفته میشود که تا کسی خانهای بسدون چادر را سوار نمیکند، چون «آخوندها» فتوا داده اند که سوار کردن زنها بی چادر گناه کبیره است! روز دیگر با کمال تعجب شنیده میشود که نانوائیها به غیر مسلمانها نان نمی فروشند! روز سوم این خبر پخش میشود که یکی از یاران نزدیک امام، که مسئول کمیتهها بوده، میلهاردها ریال به جیب زده و از کشور فرار کرده است و دولت مجرمانه درسی دستگیری اوست!

پخش کنندگان این شایعات دو دسته اند، دسته اول، که سرمنشاء پخش این شایعات اند، اغلب کسانی هستند که از برکت رواج فساد در سیستم گذشته، بنوعی متمم میشده اند. اینها با قهقهه از آن گروه عظیم طفیلی هستند که بعد از انقلاب و وطنشان را در چمدان گذاشتند و فرار کردند و اکنون در ویلاهای نیس و کاپری، امید به بازگشت رژیم منفور پهلوی دوخته اند. این گروه در محفلهای شبانه و اداری و برخی صفحات رنگین نامهها، چنان با دقت و با ذکر جزئیات این شایعات را تعریف میکنند، که کمتر شنونده ای میتواند آنرا باور نکند. بسیار دیده شده که این افراد حتی قسم میخورند که به «چشم خودشان» دیده اند که مثلاً راننده های تاکسی، زنها ی بی چادر را سوار نمی کرده اند!

انواع شایعات، که در ضرابخانه امپریالیسم ضرب شده اند، از دهان این گروه به جامعه سرزیر می شود و آن دسته از مردم (و اینها دسته دوم هستند) را که از روشهای افراطی گروههای راست و برخی روحانی نمایانی که بقول امام بدتر از ساواکی هستند، نگران شده اند و یا تبلیغات از راه رسیدن «دیکتاتوری نملین» توسط جیب افراطی در آنها اثر کرده، تحت تأثیر قرار میدهد این گروه هم نادانسته به پخش شایعات کمک میکند و آن را بگوش دیگران میرساند.

ضد انقلاب برای شایعه سازی و پخش آن شکردهای خاصی دارد. یکی از مهمترین این شکردها شایعه سازی برای خانمهاست. البته از مدتتها قبل زمینه تبلیغاتی این شایعه سازی در حسد و سب و باگسترش این اندیشه که «اسلام زنها را به چادر و چاقچور برمی گرداند»، آماده شده است. بر بنیاد این فکر مسموم، که باید گفت متأسفانه کم و بیش موفق هم بوده است، هر روز شایعه تازه ای پخش می شود. آخرین این شایعات، لزوم حضور زنان با چادر در ادارات در ماه رمضان بود و حکایت از این داشت که در این ماه، یا خانمها

نباید به اداره بروند و یا با چادر و حجاب سرکار خود حاضر شوند. در جوار این شایعه، شنیده می شد که برخی از وزارتخانهها به کار خانمهای کارمند خاتمه داده و یا بزودی خاتمه خواهند داد.

خوشبختانه دولت بموقع این شایعات را افشا کرد و سخنگوی دولت ضمن اعلام اینکه دشمن از زمینه های چهل جهل عمومی استفاده کرده و با خرج ۴۲ میلیون تومان در هفته، با استفاده از متخصصین و کارشناسان روانشناس و جامعه شناس، زمینه های پیوند عمومی را از بین برده و روحیه بی اعتمادی را باعث می شود، به اطلاع مردم رساند که ضد انقلاب حتی عده ای را هم برای تعرض به خانمها در ماه رمضان استخدام کرده است.

شایعه سازی ضد انقلاب به همین جا ختم نمی شود، این جنگ روانی دامنه گسترده ای دارد. مثلاً گاه بیگانه بدنت شایعه می شود که جنگ داخلی نزدیک است و اوراق عمومی در چند روز آینده نایاب می شود. مردم کسه از فرارسیدن چنین آینده ای بترسند و نگران شوند، هراسان میشوند و به مغازه های خواربار فروشی هجوم می برند. گاهی هم ضد انقلاب شایعه می کند که مثلاً شیر برای کودکان نایاب شده و بدینوسیله پدران و مادران را هراسان می کند.

در ارتش هم شایعه سازی و وسعت زیادی دارد. معمولی ترین شکرده ضد انقلاب در ارتش اینست که هر چند وقت یکبار، روزی را برای بازگشت شاه خائن تعیین و آنرا همان پرسنل ارتش پخش می کند، تا از طرفی به آن کسانی که هنوز چشم بر راه بازگشت رژیم منفور پهلوی هستند، دل گرمی بدهد و هم روحیه پرسنل ارتش را ضعیف کند.

شایعات، که به برخی از آنها اشاره شد، دامنه بسیار وسیعی دارد که از شایعه سازی در مورد رهبر انقلاب و یاران نزدیک ایشان، به شکل های گوناگون، شروع میشود و همه جامعه، بویژه نیروهای مترقی را در بر میگیرد. باین ترتیب حزب توده ایران هم بسیار مورد علاقه شایعه سازان است. از گرایه خانهای که مرکز حزب در آن قرار دارد تا آماده شدن حزب برای کودتا و انشعاب برخی از رفقای رهبری حزب، از جمله دهها شایعه ای است که ضد انقلاب برای حزب توده ایران در زرادخانه امپریالیسم ضرب کرده است.

نخستین گام در مبارزه با شایعه سازی ضد انقلاب، افشای آنست، آنچنانکه دولت اینبار بدستی عمل کرد. باید ماهیت شایعات را ب مردم شناساند و در عمل نشان داد که این پاره ها فقط محصول امپریالیسم است. گام بعدی و مهمتر، شناختن و شناساندن شایعه سازان و «راکز تولید» شایعه سازی و مبارزه برای سرکوب آنهاست. کاری که متأسفانه دولت هنوز نکرده است و ما امیدواریم تا دیر نشده، به انجام آن بپردازد. و سرانجام می باید با آن افکار و اعمالی هم که میتوانند به ضد انقلاب شایعه ساز، زمینه عینی و بهانه مناسب برای شایعه سازی بدهد، مبارزه کرد. و اهمیت ضرورت این آخری بهیچوجه کمتر از گامهای ضرور پیشین نیست.

درسی که یک توده ای بیک مزاحم داد

در تاریخ ۵/۷/۵۸، در جریان مبارزات انتخاباتی برای کاندیداهای حزب توده ایران در شهرستان بهشهر، اتفاقی افتاد که خواندنی است، راننده ماشینی که بلندگو روی آن نصب بود، ضمن حرکت آرام، اعلامیه به افراد پیاده رو میداد، که البته مورد استقبال مردم نیز قرار می گرفت. در این ضمن دو چرخه سواری از بغل ماشین حرکت و مرتب تقاضای اعلامیه میکرد. وی چندین اعلامیه را از رفیق ما بدفماست گرفت و پاره کرد. این عمل گرچه باعث ناراحتی رفیق راننده شده بود، ولی وی واکنشی نشان نداد، زیرا دو چرخه سوار بنظر فرد

کمک مالی يك وظیفه انقلابی

اعطای کمک مالی به حزب توده ایران برای تأمین مخارج روز بروز سنگین تری که برای معرفی کردن سیاست حزب به مردم و انجام فعالیتهای ضرورتاً مالی و تبلیغاتی مورد نیاز است، یک وظیفه انقلابی است. این واقعیت را همه کس درک میکند و دستی این سخن تابد اینجا روشن شده که دوستی در پاکت، بدون آنکه حتی یک کلمه هم بنویسد، مبلغ ۵۰۰ ریال گذاشته و پشت آن تنها این دو کلمه را نوشته است، «وظیفه انقلابی»!

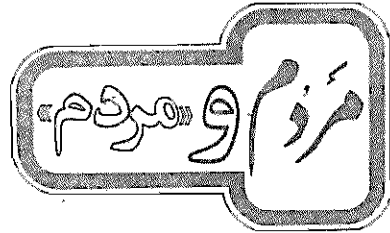
یک لنگرودی ۳۲۰۰ ریال فرستاده و در نامه خود نوشته، «مبلغ ناچیزی است. گفتم ارسال کفش و شلوار نمیخرم. مهم آنست که رهنمودها بتواند آگاهانه مارا به پیش برده، از تبریز این نامه رسیده است. فرستنده دانشجویست. رباب، سکه ای برای ما فرستاده است. او آموزگار است و میگوید که این سکه را انجمن خانه و مدرسه بعنوان تقدیر از کار و زحماتش با تقدیم کرده بود و اینک اوست که «به حزب حامی زحمت کشان و رنجیدگان» هدیه می کند، با این امید که «روز به روز پیشرفت چشمگیری کند».

یکی از جوانانی که این روزها در بیشتر نقاط روزنامه «مردم» را می فروشد، اما چنین مینویسد، «زیریل ستارخان در حال فروش روزنامه «مردم» بودم که هردی ازماشین پیاده شد، مرا صدا زد و پنج عدد «مردم» خرید و یک هزار ریال داد و برای حزب و فرزندانش «مردم» آرزوی موفقیت کرد. من لازم دیدم آن پول را همراه این یادداشت، به حزب بفرستم برسانم.» دوست دیگری هم نوشته است که «یک سفر پیدار «مردم» در همین نقطه، درازای یک شماره «مردم» بقیه اش را بعنوان کمک میخواهد به حزب بدهد. کمکها را سهاس کوئیم یا اعتماد مردم راه «مردم» فروشان بستائیم؟

کارگری با امضای بی. می نویسد، «در آمد فعلی اینجانب تقریباً ۱۶۰۰ تومان در ماه است. تا بحال توانسته ام دو سست تومان ناقابل به حزب کمک کنم. حالا ماهی بطور دائم یکروز از حقوقم را که تقریباً ۶۰ تومان می شود، می فرستم. م. ۵۰۵. در نامه کوتاهی با عنوان «به حزب انسان سازم» می نویسد که روزی رفیقش ضمن بحث با او، وی را توده ای خطاب می کند و او اینک مسئولیت بسیار بیشتری در زندگی احساس میکند و حالا منجمله تصمیم گرفته است که هر ماهه مبلغی بعنوان کمک به حزب بدهد.

دوستان ایران! بولن شربی، ده هزار مارک کرد آوری کرده و برای ما فرستاده اند. از همه این دوستان صمیمانه تشکر می کنیم.

ساده ای میرسد که نا آگاه است یا فریب خورده. دو چرخه سوار در حالیکه بعمل نادرست و غیر منطقی خویش ادامه میداد، بعلم بی احتیاطی، دو چرخه اش بپوی آب افتاد و خودش نقش زمین شد. رفیق ما فوراً ترمز کرد و برای کمک به دو چرخه سوار، قصد بلند کردن و معاینه او را داشت، که عده ای از ناظران یکصد فریاد زدند، آقا شما بروید و بگارتان برسید. او فرد مزاحمی بود که بسزای عمل بدش رسید. ولی رفیق ما ربه جمعیت کرد و گفت، شکی نیست که او بد کرده است، ولی من نباید با او همان معامله را بکنم. نه من دشمن او هستم و نه حزب من. این مطلب را روزی خودش هم خواهد فهمید و از عمل بد خویش پشیمان خواهد شد. رفتار انسانی رفیق راننده ما و واکنش بدیهی او تأثیر نیکویی در مردم بخشید.



شناخت جامعه ایران (۴)

«شیوه تولید آسیائی» و ایران

از: احسان طبری

درباره «شیوه تولید آسیائی»، «مارکس شناسان» غرب هیاهویی براه انداختند و برخی از جامعه شناسان ما نیز، که در دوران رژیم استبداد سلطنتی میدان را برای جلوه گرایی «تئوریک» علیه سوسیالیسم، بازیافته بودند، از این هیاهو سود جستند و بنوبه خود این اصطلاح را وسیله ای برای کوییدن «مارکسیسم دکماتیک» و «استالینیسیم» قرار دادند.

جریان چیست؟

مارکس وانگلس بر آن بودند که فلسفه ماده گرایی دیالکتیک موظف است که سیر علوم - اعم از طبیعی، اجتماعی، ریاضی و منطقی - را با دقت دنبال کند و مباحث، احکام، مقولات خود را ازین راه دقیق تر سازد، تعویض کند، غنی تر نماید، و اگر لازم باشد، جستارهای نویی را بگشاید. و خودشان در این کار نمونه بودند و نمونه دادند.

مارکس وانگلس، پس از انتشار اثر مرگان درباره جوامع اولیه آمریکا، به تفکر درباره تمدن بدوی انسانی، روابط خونی، ادوار «وحشیگری»، «بربریت» و «تمدن»، پیدایش مالکیت، پیدایش دولت و غیره پرداختند که همه اینها در اثر مهم انگلس «منشاء خانواده و دولت» آمده است.

درسایه های شصت، مارکس با اثریک محقق هند شناس انگلیسی آشنا شد که در آن، این محقق مدعی گردید که در شرق مالکیت درید قدرت سلطان است و مالکیت خصوصی اتباع شاه وجود ندارد. محقق انگلیسی گویا از این نکته متأثر بوده که شاه مالک جان و مال و ناموس رعایاست و قدرتش را حد و مرزی نیست. مسئله واحدهای خرده دهقانی هند، که در آن بسیاری امور، بشکل جمعی و مشاع و همبودگی وجود داشت، نیز نظر مارکس را جلب کرد.

مارکس در آن ایام اصولاً درباره هند و فرمانروایی بریتانیا در هند بررسیهایی میکرد و چنانکه یادداشتهای دقیق او نشان میدهد این بررسی را از یورشهای محمود سبکتگین به هندوستان آغاز کرده بود. این بررسیها او را به نقش عامل اقلیمی - جغرافیائی در شکل گیری تمدنها در آسیا رساند.

همه اینها موجب شد که مارکس، با آن سیالیت و نرزش دیالکتیکی تفکر و صداقت علمی - در کنار اشکال ژرمنی و اسلاوی مالکیت، باین نتیجه برسد که نوعی مالکیت و شیوه تولید آسیائی نیز وجود دارد که با مسئله شرایط صحرائی، با مسئله استبداد شرقی، با مسئله بردگی جمعی رعایای شاه، با مسئله فقدان مالکیت خصوصی در شرق و با مسئله تداوم همبودهای دهقانی، بمشابه عامل رکود در خاور زمین، در ارتباط است و در این زمینه به بررسیهای ژرف و غنی از اندیشه، چنانکه شیوه اوست، پرداخت که تا امروز اهمیت و صلابت منطقی و تحقیقی خود را حفظ میکند.

ولی اراده این بررسی در نزد مارکس، در اواخر سالهای شصت و سالهای هفتاد و اوایل هشتاد، که در قله حیات بود، دیده نشد و انگلس نیز بر روی این مقوله «شیوه تولید آسیائی» مکشی نکرد و پلخاتف و ولین نیز از آن یاد نمودند. معلوم شد که صحت این مقوله مورد تردید آنها قرار گرفته است. شاید در صحت تحقیقات پایه ای خود شك کردند و شاید بعلل دیگر، بهر جهت واقعیت آنست که این بحث دنبال نشد.

در دوران استالین، پس از انتشار ترجمه ای از اثر مارکس درباره شیوه تولید آسیائی، در لنینگراد بحثی باین سبب در گرفت و مجمع مورخان و فلاسفه شوروی مقوله «شیوه تولید آسیائی» را مردود دانست و صورت بندیهای کلاسیک پنجگانه را کماکان صادق و موقف شمرد. ولی عیب این مجمع آن بود که فاتحان بحث، بعداً علیه مخالفان علمی خود برخی شیوه های اداری طرد و نفی را بکار بردند. امری که در دانش نه تنها ناپسند، بلکه مردود است.

مشخص و معینی را میفهمیم که در استاد نامبرده توضیح داده ایم و گرنه هر قشر اجتماعی یا شخصیت سیاسی بخودی خود حامل این عنوان و خصیصه نیست. راه آینده منوط است به تحول نیروهای انقلابی و صداقت و بیگیری هر یک و البته سیاست و شیوه مبارزه نیز مربوط باین تحول و آینده است. هم اکنون وظیفه هر انقلابی صادق و هر دمکراتی گوهر، بحث مکتبی درباره فرضیات و احتمالات نیست، بلکه کوشش جدی و صادقانه و با تمام قوا در راه اتحاد همه قوای ضد امپریالیستی و خلقی، در راه ایجاد جامعه واحد متحد خلق و تقویت دستاوردهای انقلاب است. هر گونه انحراف از این مشی و شیوه، با منافع انقلاب و با منافع هر یک از نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی منافات دارد. دوست عزیز! دوبیتی که خود شما در پایان نامه خود درباره ضرورت اتحاد نوشته اید، بیانگر اعتقاد شما به همین اصل اساسی است.

آقای محمد حسین، و. نامه شما رسید. از مطالبی که فرستادید، متشکریم. لزوم دقت بیشتر در جملات مقالات و همچنین توجه در مورد شایعات مختلفی که پراکنده میشود و تناقضات آنها، نکاتست که البته مد نظر خواهد بود. متشکریم.

باز هم عده زیادی از دوستان، که دارای طبع شاعرانه ای هستند، سروده های خود را برای «مردم» فرستاده اند. شیوه درباره زن و نقش وی، در رابطه با قانون اساسی،

به ابتکار دانشمند مجارستانی ساکن شوروی، پرفسور وارگا، که از شرکت کنندگان در بحث لنینگراد بود، پس از درگذشت استالین، این مباحثه تکرار شد و خود وی در دفاع از صحت نزد شده، مقاله ای نوشت.

بنا به تصمیم فرهنگستان علوم اجتماعی شوروی در تاشکند، بحث در این باره مکرر شد و این بار در شرایط شور و مناظره علمی، دمکراتیک، مجموع سخنرانیهای این جلسه، که در آن انواع نظریات مقابل بیان شده، در کتابی مدون گردیده و نشر یافته است که شامل اندیشه های گزیده بسیاری است.

مقارن همین ایام، پس از درگذشت استالین، غرب، بخیال آنکه همراه با مسئله «ناخویشتنی» (آلیناسیون - که آنرا نیز به عرصه ای برای تاخت و تاز بدل ساخته) میتواند مسئله دیگری را از مارکسیسم علیه مارکسیسم علم کرد، که اشکالهای بنیادی وارد سازد، «شیوه تولید آسیائی» را دستاویز کرد، چنانکه در آغاز این گفتار یاد کردیم.

این نکته که در آسیا، مالکیت خصوصی بر روی زمین وجود نداشته، غلط است. شواهد متعدد تاریخی، بدون ذره ای ابهام، نشان میدهد که از زمان هخامنشیها، ما، در کنار ملک شاهی و سلطنتی، با ملک خصوصی مالک و دهقان روبرو هستیم. در این باره نگارنده این سطور بررسی تفصیلی جداگانه ای نوشته ام که در چاپ تازه «چینش ها و جهان بینی ها» گویا طی دو ماه آینده

نشر خواهد یافت و جای تکرار آیه مه مطالب در اینجا نیست. اینک در آسیا ما با همبودهای خرده دهقانی بمشابه پایه را که اقتصاد روبرو هستیم نیز مطلقاً است که باین مطلقیت درست نیست.

ولی در اندیشه های مارکس درباره آسیا مطالب رهنمودی و گرا انبهای فراوانی وجود دارد، مانند نقش آب، مختصات استبداد شرقی و وجود بردگی جمعی و غیره، که دارای پایه واقعی است و بررسی اثر مارکس را درباره شیوه تولید آسیائی ضرور و سودمند میسازد. البته در ایران جامعه عیناً در آن مجرائی سیر نکرده که مثلاً یونان و روم، یا فرانسه و انگلستان و آلمان در ادوار بردگی و فتودالسیسم و سرمایه داری سیر کرده است. ولی سرشت تحولات، از جهت قوانین عام اقتصادی و اجتماعی همانند است. آهنگ رشد، شکل تحلیلی، تفاوت های جدی دارد.

آنچه که درست است، این نیست که گویا در ایران اصولاً صورت بندی خاصی غیر از نظامهای شناخته شده (نظام ابتدایی و دردمانی، نظام بردگی، نظام فتودالی، نظام سرمایه داری) وجود داشته، بلکه این است که این نظامها در کشور ما دارای ویژگیهای فراوانی است.

در گفتارهای گذشته نیز درباره این ویژگیها سخن گفتیم و تکرار مکرر را روا نمی دانیم. وظیفه دانش جامعه شناسی تاریخی و علمی در ایران یافت ویژگیهای هر نظام در سرزمین ایران است. سوء استفاده های گاه ذهنی، که برخی در ایران خواستند از مقوله «شیوه تولید آسیائی» بکنند، قابل اعتماد علمی نیست. دعوی اینکه در ایران بدنبال یافتن مالک و رعیت نباید رفت و یا مالکین در ایران مختصات فتودالی ندارند، دعوی اینکه در ایران انقلابها فقط فرهنگی است نه طبقاتی، دعوی اینکه در ایران از بردگی نباید سخن گفت و بسیاری مطالب دیگر، از جمله این توهمات و افراطهاست.

خلاصه آنکه ویژگی آری، ولی نظام جدا از نظامهای کلاسیک رشد متناوب جامعه بشری، نه. چنین است پاسخ ما باین مسئله. اما درباره این ویژگیها، کوششهایی از طرف نگارنده و برخی مارکسیستهای دیگر ایرانی انجام گرفته، که البته باید تکمیل و غنی شود، تا تاریخ کشور خود را الگووار تفهیم، بدون آنکه آنرا دچار تعبیرات غیر علمی و ازجاده تکامل عام قانومند جوامع بشری خارج سازیم.

شماره آینده: دولت و دولتمداری در ایران

شعری سروده به سبک کلاسیک و منجمله بسا این بیت: «زن بسدها صفت آراسته باشد، آری/ «مادری ینک صفت از جمله صفتهای زن است». قویا شمر خود را به سی تیر تقدیم کرده و در آن ستاره وزمانه را میسراید که توانسته شبانه را به روزانه بدل کند. بدون امضاء، شعری رسیده با عنوان «از غروب تا غروب» درباره شهرها که «فضای کوچهاش/ یراست از فریاد دستها». ج. قویا، از همدان شعری ارسال داشته، منجمله با این ابیات: «آری، میدانم که در این صبح امید/ و این خورشید بزرگ/ که پیام آور روز است/ حزب روز به است/ حزب توده است». محمود، فیه شعری فرستاده بسا این بیت مطلع: «آن شمله که هیچگاه/ رنگ خموشی نمی گیرد/ شوق رفتن است و رهائی». شعر بلند دیگری از الف، طنین، دریافت کرده ایم، منجمله با این ابیات: «روزی دوباره آفتاب/ همچون کیوتران رده بزیز ابر/ سر بر کشیده اندرون سیاهی/ پیغامهای روشنی و گرمی/ پیغامهای تازه پیوند/ در چشمه های دوستی توده خواهد کاشت».

ستون «مردم» و مردم را با قطعه ای از شعر «گاهی تا طلوع»، با تشکر از سراسرینده همه دوستان به پایان میبریم، «رفیق ای همصدا، بامن بیا/ تا پیام خوشبختی را در باغهای آباد/ و در نگاه لبخند آدمیان/ به آواز سردهیم/ ما دست در دست هم/ کبود را طی خواهیم کرد/ و سپید را در آغوش خواهیم گرفت».

نامه فوزه. و باز به مراسم یادبود شهدای ۳۰ تیر، که در روز ۲۹ تیر در این با بویه برگزار شد، بسا شرح جریان یورش گروهی عناصر مشکوک بصوف مردم مربوط است. وی ضمن از دخالت بموقع پاسداران ابراز خرسندی کرده و اضافه کرده است که لازم میبود اینان اصولاً از ورود او بایش بداخل گورستان جلو گیری میکردند. دوست ماسس انتقادهای خود را نسبت بنحوه انتظامات در پایان مراسم نوشته است، که انتقادهای، درستی است و رفتای مأموران انتظامات خود قبلاً این نکات را بررسی نموده و نتیجه گیری لازم را نموده اند. متشکریم.

نامه دکتر سیف از لندن، برای «مردم» رسیده، که رونوشت آن برای حضرت آیت اله طالقانی و روزنامه اطلاعات فرستاده شده است. مطالب نامه مربوط است به پیش نویس قانون اساسی. نویسنده چهار اصل، جلوگیری از استقرار مجدد دیکتاتوری بهر شکلی، جلوگیری از قتل و کشتار، جلوگیری از فساد و ارتشاء را شالوده قرارداد و نظریات تفصیلی خود را بیان میدارد. متن کامل نامه بدوستانی که امور مربوطه را زیر نظر دارند، داده شد.

آقای هوزر، پ. نامه شما درباره عضویت در حزب و مغایرت آن با داشتن عقاید مذهبی، باین استناد که جهان بینی حزب مارکسیسم لنینیسم است، رسید. نظر ما همانست که در مقاله شماره ۱۲ نیز عنوان شده است. ما بهیچوجه اعتقاد مذهبی را منافی با عضویت حزب نمیدانیم. در حزب ما سایر احزاب کمونیست و کارگری زیادند اعضای که دارای اعتقاد مذهبی هستند و راه واقعی سعادت بشر و تساوی و خیر و صلاح و رستگاری را درست همین راه مبارزه طبقاتی تشخیص داده اند. حزب البته در مجموع خود و در تحلیل اوضاع کشور و جهان و تعیین مشی خویش، جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی دارد، ولی این بهیچوجه بمعنای آن نیست که همه اعضای، تمام اجزاء مارکسیسم - لنینیسم، اعم از نظریات فلسفی و اقتصادی و اجتماعی را قبلاً پذیرفته و سپس وارد حزب شده اند. در شرط عضویت هیچ حزب طبقه کارگری، که مارکسیسم لنینیسم را جهان بینی خویش قرار داده، مذهبی بودن یا نبودن وجود ندارد و هیچ امتحانی هم از دانش مارکسیستی - لنینیستی فرد داوطلب انجام نمیشود. این یکی از وظایف ایدئولوژیک حزب است که در درون صفوف خود، در طول زمان، با استفاده از روشهای ترویجی، بکوشد تا جبهه های بینی حزب را با اعضای خود بیاموزد و این علم را در دسترس همه اعضای خود قرار دهد. عضو حزب باید برنامه سیاسی حزب را قبول کند و در راه اجرای آن بکوشد و در تنظیم مشی سیاسی شرکت کند و آنرا بمان توده مردم ببرد و تحقق بخشد. از آن گذشته، در مقامی کشور، وظیفه عمده ما ایجاد وحدت عمل در بین همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک اعم از مذهبی و غیر مذهبی است. این مطلب البته با سؤال شما دوست عزیز رابطه ای ندارد، ولی یادآوری آن، در زمانی که خیلیها میکوشند مرز را بین مذهبی و غیر مذهبی بکشند و از این راه، عملی صفاً انقلاب را تقویت کنند، ضروری است. با امید موفقیت.

از آقای احمد الف. دو نامه داریم. در یکی مینویسد که شمار دهان بر کن برخی از مقامات دولتی «نه شرق نه غرب» در عمل مساوی با «نه شرق، نه شرق، فقط غرب» در آمده، زیرا فقط غرب مطمح نظر قرار گرفته است. در نامه دوم، با توجه به برنامه های تلویزیون، بخصوص فیلمهایی که در یک ماه اخیر نشان داده شده و صرفاً از کشورهای سرمایه داری غرب بوده، نوشته میشود که بجای شعار «نه شرقی نه غربی» ما عملاً با «نه شرقی نه شرقی فقط غربی» روبرو هستیم.

دوست عزیز آقای الف. م. نوشته شما در مورد آثار، و کتب رفیق احسان طبری رسید. اکثر این کتابها و آثار تجدید چاپ میشود و بنحو بهتر و مسرغبتری در دسترس قرار خواهد گرفت. برخی از مهمترین این آثار عبارتند از: بنیاد آموزش انقلابی، فروپاشی جامعه سنتی ایران، جامعه مادر زمان رضاشاه، الفبای مبارزه، یادداشتهای فلسفی و اجتماعی، برخی بررسی های درباره جهان بینی ها و جنبش های اجتماعی در ایران و یک سلسله نوشته های ادبی، منجمله فرهاد چهارم، سفر جادو، گئومات و غیره. از یادداشتهای فلسفی و اجتماعی، جلد ۳ و ۲ نشر خواهد یافت. بالاخره در پاسخ آخرین سؤال، بزودی مجله ماها نه دنیا» نشریه سیاسی و تئوریک حزب انتشار خواهد یافت، که انتظار شما را از «مردم ماها نه» برآورده خواهد ساخت. متشکریم.

رفیق عزیز سعید، پ. درباره سؤال شما پیرامون مرحله کنونی انقلاب ایران و نقش دمکراتیسم انقلابی، در این ستون بیش از آنچه که در مقالات عدیده اخیر «مردم» و ویژه در نامه های سرگشاده کمیته مرکزی حزب و اسناد ما - های اخیر گفته ایم، جا برای توضیح نداریم. امیدواریم این اسناد را مطالعه کرده باشید. و اما درباره احتمال حصول آتی دمکراتیسم انقلابی به ارتجاع، که شما نوشته اید، باید گفت که در انصورت دیگری چنانچه جریانی نه دمکراتیک خواهد بود و نه انقلابی. ما اندمکراتیسم انقلابی بمعنای کاملاً

اخبار کارگری

پیروزی کارگران سازمان آب منطقه‌ای تهران

بدعت قبلی شورای مرکزی کارگران سازمان آب منطقه‌ای تهران، جلسه عمومی کارگران در ساعت ۱۳ روز ۲۴ تیر، در غذاخوری کارگران، جهت گزارش اقدامات انجام شده و در دست اقدام سندیکای کارگران تشکیل شد و به ترتیب آقایان، سیدعلی جندقی جمفری، ملک رفعت و صدقی بیاناتی بدین شرح بیان داشتند:

۱- بعد از مذاکرات بسیاری که با مدیریت عامل سازمان، نماینده وزیر نیرو آقای عربزاده و دفتر امام خمینی و دکتر بهشتی و هاشم صافیان (معاون وقت نخست وزیر در امور انقلاب) و جناب تاج وزیر نیرو انجام شد، از طرف وزیر نیرو بخشنامه‌ای صادر شد که در آن متذکر شده اند که کارگران مانند سال ۱۳۵۷ ساعت اضافه کاری را دریافت دارند و آقایان کارمندان دفتری تا ۶۰ ساعت بمبلغ ۱۵۰۰۰ ریال و کارمندان فنی تا ۷۵ ساعت بمبلغ ۲۰۰۰۰ ریال دریافت نمایند.

۲- از تشکیلات طبقه بندی خواسته شده است که سابقه ضایع شده عده‌ای از کارگران را در موقع پیاده کردن طرح طبقه بندی به ایشان بپردازند و در باره کسانی که مدرک تحصیلی بیشتری برای شغل سازمان خود داشته و در طرح محاسبه نشده است، در ازای یک کلاس، یک سال سابقه محسوب و یک پسیاه داده شود.

۳- درخواست حق شیفت (نوبتکاری) از ۱۰٪ به ۳۵٪، که از تاریخ ۵۷/۵/۱۰ پرداخت خواهد شد.

۴- افزایش دادن ارزش پایه از ۱۶-۱۲ ریال به ۳۰-۲۲، که هر وقت بودجه آن تعیین شود، پرداخت می‌گردد.

۵- تقاضای افزایش پاداش پایان خدمت و پسا فوت کارگران یک ماه به چهار و پنج روز حداقل پرداختی آن برای کارگران که سابقه ۱۰ ماه، که در دستور قرار دارد.

۶- بجز بیان انداختن فرم ترفیع کارگران، که طبق طرح طبقه بندی هر ۶ ماه باید تجدید نظر می‌شد و از این طریق ۱۰٪ کارگران ترفیع پیدا می‌کردند.

۷- گرفتن موافقت آقای مدیر عامل جهت استفاده کارگران از وام ضروری بانک ملی، که کارمندان از آن استفاده می‌کنند و در دستور است.

۸- جلب موافقت مدیریت عامل درباره مدت کار کارگران، که در هفته ۴۰ ساعت خواهد بود. در نتیجه پنجشنبه‌ها تعطیل است.

۹- تقاضای کفش ایمنی و دیگر وسایل و لوازم بهداشتی برای کارگران و رسیدگی بوضع بهداشت کلیه کارگران بخصوص امور اجرایی و تمویض چاه‌ها با کاروان.

۱۰- ترتیب مسافرت دستجمعی کارکنان بحضور امام خمینی در قم و قرائت بیانیه‌ای جهت تبریک درباره استقرار جمهوری اسلامی و طرح خواسته‌های کارکنان در حضور امام شرکت در دوره پیمانی روز کارگر (اول ماه مه) و ۱۵ خرداد.

۱۱- پرداخت یک روز حقوق کارکنان، که در حدود ۵/۴۱۱ میلیون تومان شده، به حساب شماره ۱۰۰ جهت خانه سازی برای مستضعفین.

۱۲- چون اقدامات شورا بیشتر مربوط به امور سندیکایی و صنفی است و از نظر فنی خود کارگران بارها خواسته بودند که شورا سندیکا را از هیئت مدیره ساواکی رژیم گذشته تحویل بگیرد، لذا با مراجعات وزارت کار و اداره کار تهران قرارداد برای آخرین بار خواسته‌های حق کارگران را درباره تحویل سندیکا و تشکیل مجمع عمومی جهت انتخابات هیئت مدیره طی طوماری به مسئولین وزارت کار بدهند و هر چه زودتر مجمع عمومی برگزار شود.

۱۳- منانیت از پرداخت حق عضویت کارگران سندیکا به هیئت مدیره تحمیلی و به امانت گذاشتن آن، که در حدود ۳۰۰۰۰ تومان است، در صندوق اداره مرکزی، که بتدریج به نسبت رقم فوق ماهانه اضافه می‌گردد.

در کارخانه‌های ریخته‌گری فیروز کوه چه میگذرد؟

آنچه در کارخانه ماس ریخته‌گری فیروز کوه میگذرد، نمونه‌ای شرم‌آور از استثمار نیروی کار کارگران است.

این کارخانه، که سهام آن متعلق به مادر فرح و خهایی بود، اکنون قاعدتاً باید ملی شده باشد، ولی وضع کارگران همان است که بود. در منطقه فیروز کوه با چهل و چهار پارچه آبادی و خیمه عظیمی از کارگران فصلی، این تنها کارخانه منطقه است با ۴۲ نفر کارگر.

کارفرما با استفاده از همین وضع، یعنی وجود کارگران فصلی زیاد، که در پی تأمین برای آینده خود هستند و حاضرند تن به هر کاری بدهند، تا شش ماه از سال را بیکار نباشند، با تهدید به اخراج کارگران را از هر گونه حقوق حداقل برای زندگی محروم کرده است.

وضع در این تنها کارخانه فیروز کوه از این قرار است، حداکثر حقوق را ندهد، ۲۵۰ تومان و حداقل حقوق کارگران، که شامل اکثریت کارگران میشود، ۱۰۵۰ تومان است، که ۷ درصد آن بابت حق بیمه کسر میشود. از سود ویژه هم از آغاز خیزی نبود. با توجه به اینکه خود فیروز کوه دارای بیمارستان درست و حسابی نیست، میتواند وضع بیمه و بهداشت کارگران را محسوم کند.

کارگران از ۷ صبح الی ۴ بعد از ظهر یعنی ۹ ساعت سر کارند.

سرویس کارگران در زمستان و تابستان یکسان است. خودتان تصور کنید که با سرمای زیر صفر فیروز کوه در تمام طول زمستان و چند ماه از بهار و پاییز، کارگران در این سرویس چه می‌کشند.

نه از مسکن خبری هست، نه حق مسکن، و اگر اتاقی به کارگری که در نزدیکی کارخانه، یعنی فیروز کوه و دهات نزدیک خانه ندارد، بدهند، اجاره آنرا از حقوق کارگر کسر می‌کنند.

وضع بیمه و بهداشت و درمان و دیگر امکانات رفاهی در کل منطقه معضلی است، تا چه رسد برای کارگران.

پارتنری بازی هنوز در کارخانه کار ساز است و این امر مورد اعتراض شدید کارگران قرار گرفته است.

در این اواخر کارگران شورائی تشکیل دادند تا به وضع مبارزات خود سروسانی بدهند، لیکن دخالت مسئولین کارخانه در امر انتخابات با همان حسره اخراج کارگران، کسار شورا را مختل کرده است.

نیروی ویژه تنظیم روابط کار شمشیری است دو دم

در خرداد ماه، دولت به پیشنهاد وزارت کار و امور اجتماعی، تصویب نامه‌ای انتشار داد که خبر از «تشکیل نیروی ویژه تنظیم روابط کار» در کارخانه‌ها میداد. وظایف این «نیروی ویژه» چنین توضیح داده شده است:

«نیروی ویژه تنظیم روابط کار و امور اجتماعی تشکیل میشود تا بر نظم کارگاهها و کارخانجات نظارت و از دخالت افراد و سازمانهای غیر مسئول، جلوگیری کند.» روشن است که خصلت این «نیروی ویژه» مستقیماً با روابط کار، یعنی چگونگی مناسبات میان کارگر و کارفرما بستگی دارد. اگر روابط کار مبتنی بر استثمار بیدریغ سرمایه باشد، «نیروی ویژه» شمشیری است که دم تیز آن بسود کارفرما عمل میکند و بزبان طبقه کارگر و سرکوب مبارزات کارگری بکار خواهد رفت. ولی اگر بکسر روابط کار، یعنی مناسبات میان کارگر و کارفرما، بر بنیاد عادلانه و دفاع از منافع زحمتکشان استوار باشد، در این صورت چنین «نیروی ویژه‌ای» خواه ناخواه در راستای حمایت از منافع طبقه کارگر قرار خواهد گرفت.

در شرایطی که هنوز قانون کار ضد کارگری رژیم پیشین بر مناسبات کارگر و کارفرما حاکم است، «نیروی ویژه» خود بخود در خدمت کارفرما خواهد بود و به استقرار نظم دلخواه او، که همان ایجاد فضای «مناسب» بهره‌کشی است، خدمت خواهد کرد.

در تصویرنامه تاکید شده که «نیروی ویژه» از ضابطین دادگستری تشکیل خواهد شد. یعنی گروه ویژه‌ای که میبایست قانوناً ضابط دادگستری شناخته شوند و از اختیارات آنان بر خوددار باشند. بدینسان استقرار چنین «نیروی ویژه‌ای» در کارخانه‌ها، با خصلت دموکراتیک انقلاب ما مغایر است، زیرا خصلت دموکراتیک انقلاب ماحکم میکند که اگر هم قرار است «نیروی ویژه‌ای» بر روابط کار نظارت داشته باشد، این نیرو جز نمایندگان انتخابی خود کارگران، بمعرفی سندیکاهای کارگری، نمیتواند باشد.

ماده ۲ تصویرنامه درباره وظایف این نیرو بصراحت میگوید «ممانعت از دخالت افراد و سازمانهای غیر مسئول در امور کارگاهها و اجرای دستور مقامات صلاحیت‌دار در ایجاد نظم و جلوگیری از مداخله کمیته‌های اعتصاب یا شوراهای مدیریت و نظایر آن.»

این ماده بیش از پیش این ظن را تقویت میکند که این شمشیر دو دم در لحظه مناسب به زبان کارگران بکارگرفته خواهد شد. با سوءاستفاده از این ماده، میتوان راه را بر فعالیت سندیکاهای کارگری، شوراهای کارگری و کمیته‌های اعتصاب بست و مبارزات آنان را در دفاع از منافع طبقه کارگر، تحت عنوان «دخالت افراد و سازمانهای غیرمسئول»، سد نمود.

درفضای دموکراتیک پس از انقلاب چرا نباید کارگران و سازمانهای انتخابی شان، مانند سندیکا و شورا و غیره بتوانند در امور کارگاه و کارخانه نظر دهند و یا به فلان انتصاب ناپسند متعرض باشند. مثلاً اگر در کارخانه‌های عنصری با پیشینه ضد کارگری، از جانب کارفرما مصدر مقام موثری شد، چرا کارگران و سازمانهای مربوطه شان نباید حق اعتراض داشته باشند و اگر اعتراض کردند با چماق «نیروی ویژه» سرکوب شوند؟

ما معتقدیم که قبل از هر چیز باید یک قانون مترقی و عادلانه، حاکم بر روابط کارگر و کارفرما شود و اصل آزادی سندیگائی، بمشابه حق مسلم کارگران، در این قانون برسمیت شناخته شود. در این صورت اگر حسن نیتی در میان باشد، دیگر نیازی به ایجاد «نیروی ویژه» در کارخانه‌ها نیست. قانون کار، تنظیم کننده روابط عادلانه میان کارگر و کارفرما و سندیکاهای کارگری ناظر بر اجرای قانون و روابط کار خواهند بود.

کارگران میگویند که ما

هیچ اطلاعی از وضع فروش تولید کارخانه نداریم و اصولاً نمیدانیم چه کسی میفروشد و به کجا میفروشد. کارگران میخواهند که تمام مخارج بالاتر از ۵۰۰۰ تومان در امور کارخانه، با نظارت شورای کارگران باشد و به اطلاع آنها برسد، لیکن توجهی نمیشود.

کارگران میخواهند به وضع حقوق و مسکن و بیمه و بهداشت آنها هر چه زودتر رسیدگی شود. وضع در کارخانه آنقدر استوار است که راننده سرویس، که چندین پیش تصادف کرد و ۵۰ هزار تومانی خرج روی دستش گذاشت، کارخانه یکشاهی هم به او نپرداخت، در حالی که این کارگر ۹ نفر تحت تکفل دارد. دولت باید هر چه سریعتر به وضع این کارگران رسیدگی کند، لیکن حل این معضل منطبقه در صورتی امکان پذیر است که دولت در فکر ایجاد کار بوسه برای بیکاران فصلی این منطقه باشد.

مبارزه کارگران بارکش میدان شوش برای کاهش ساعات کار

میدان شوش، که نقش واسطه‌را میان تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و مصرف کنندگان ایفاء میکند، کارگران بارکش و تخلیه کن و بارزن زیادی را در خود جای داده است که شرایط کار و زندگی رقت باری دارند، محیط کار کاملاً غیر بهداشتی و کثیف است. هیچیک از کارگران بیمه نیستند. هر گاه بار فروشها یا دلال‌های بزرگ، که نقش کارفرما را دارند، اراده کنند، آنها را اخراج میکنند. کارگران از صبح ساعت ۵ الی ۸ بعد از ظهر، یکسره و بدون وقفه کار میکنند و تا شب در حدود ۱۰۰ تومان درآمد دارند. اکثر آنها خانه ندارند و شبها را در همان میدان صبح میکنند. در زمان پهلوی سندیکای فرمایشی داشتند که اصولاً هیچگونه مراجعه‌ای به آن نمیکردند. بعد از انقلاب، بخصوص در چند هفته اخیر انقلاب، واقعات تأثیر خود را در آنها نیز گذاشته و نیاز به اتحاد را دریافته‌اند و سندیکا تشکیل داده‌اند. مراجعاتی به کمیته برای تقلیل ساعات کار کرده‌اند که بآن توجهی نشده است. بدنبال این اقدامات، روز شنبه ۵۸/۴/۲۳، ساعت یک بعد از ظهر، عده‌ای در حدود ۳۰۰ نفر از کارگران، در محل کار خود به راه پیمائی پرداختند و خواهان ۲ ساعت استراحت از ۱ تا ۳ بعد از ظهر شدند. آنها در جریان تظاهرات خود از سایر کارگران خواستند که دست از کار بکشند و با آنها ملحق شوند. در این جریان با مقاومت بارفروشان روبرو شدند که آنها را به کمونست بودن متهم میکردند. یکی از کارگران در جواب بار فروشی که میگفت «شما کمونست هستید» اصلاً کارگر یعنی کمونست با عصیانیت گفت: «مگر شما دین ندارید، آخما هم باید ناهار بخوریم، نماز بخونیم.» کارگران سرانجام موفق شدند در این روز میدان را در ساعت تعیین شده تعطیل کنند.

روز ۵۸/۳/۲۳ از طرف کمیته چند بار در پشت بلندگو اعلام شد که میدان از ساعت ۱ الی ۲ بعد از ظهر تعطیل خواهد شد و تعطیل هم شد و کسی حق بار فروختن و کار کردن را نداشت. با این اقدام کمیته، خواست کارگران جامه عمل پوشید و نتیجه اتحاد و تشکل صنفی را در اولین گام به کارگران نشان داد.

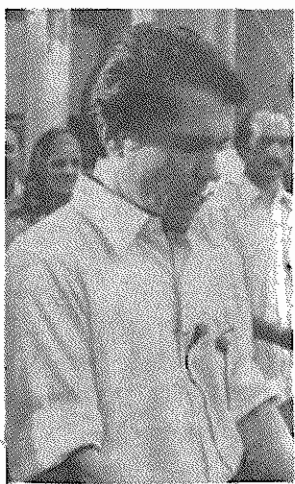
کارگران مبارز کارخانه (دژپاد) اخراج شدند

روز ۵۸/۳/۲۳ نفر از کارگران فنی کارخانه (دژپاد)، واقع در جاده کرج، که به ساختن آهن نبشی می‌پرداختند و از طرف صاحب کارخانه تهدید به اخراج شده‌اند، به وزارت کار مراجعه کردند. یکی از کارگران میگفت: «از وقتی که به همت یکی از همکارانمان تقاضاهای خود را مطرح کردیم و اضافه دستمزد و همچنین مسئله رسمی شدن استخدام خود را طلب کردیم، صاحب کارخانه ما را زیر فشار قرارداد و فحاشی به کم کاری گرفتیم و اکنون یک هفته است که با کم کاری میگذرانیم. در نتیجه صاحب کارخانه نه نفر از کارگران از جمله من را اخراج کرده است. ما هم ابتدا شکایتنامه‌ای برای اداره تامین اجتماعی نوشتم. سپس ما را به وزارت کار فرستادند و اکنون اینجا هستیم. نماینده مادر حال مذاکره با مسئولان امر است.» یکی از کارگران میگفت: «ایمن رسم کارفرمایان است که عده‌ای را اخراج میکنند و گروه تازه‌ای استخدام می‌نمایند تا بدینوسیله کارگران دارای سابق کار نشوند و در نتیجه حق کمتری مطالبه کنند.» در ضمن کارگران اخراجی از کارخانه (دژپاد) قصد دارند که اگر تلاششان به نتیجه نرسد، به خدمت امام بروند و شکایت خود را برای ایشان مطرح کنند.

رفقا احسان طبری، مریم فیروز و صابر محمدزاده مواضع، دیدگاهها و خواستهای حزب توده ایران را از قانون اساسی شرح دادند.

روز چهارشنبه ۱۰ مرداد، با شرکت ۳ نامزد
مجلس خبرگان برگزار شد:

میتینگ بزرگ انتخاباتی حزب توده ایران



دهها هزار نفر در میتینگ بزرگ انتخاباتی حزب توده ایران شرکت کردند. در این گردهم آیی سه نامزد حزب توده ایران برای مجلس خبرگان سخن گفتند. رفقا احسان طبری، مریم فیروز و صابر محمدزاده در سخنان خویش، جنبه‌های مختلف آنچه را که نامزدهای حزب توده ایران در مجلس خبرگان از آن دفاع خواهند کرد، بیان داشتند.

زمین چمن دانشگاه تهران، که گردهم آیی در آن انجام شد، ساعتی پیش از آغاز مراسم، از جمعیت موج می‌زد. در میان صفوف بهم فشرده جوانان حزب، که زنجیر مراقبت برای جلوگیری از حمله ضد انقلاب تشکیل داده بودند، دهها هزار نفر توده‌ایها وسایر میهنپرستان در انتظار شروع مراسم بودند. از بلندگوها صدای نیرومندی نامزدهای حزب توده ایران را معرفی می‌کرد و اطراف میدان با دهها پلاکارد تزئین شده بود، که روی آنها برخی از خواستهای حزب توده ایران از قانون اساسی بیستم می‌خورد:

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، باید انعکاس خواستهای اکثریت قاطع مردم زحمتکش کشور ما باشد.
- برابری کامل زن و مرد در قانون اساسی باید تصریح گردد.

- نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران، باید در قانون تصریح شود.

- حق کار و حق تشکیل اتحادیه‌های صنفی و حرفه‌ای برای کلیه کارگران و زحمتکشان شهر و ده باید در قانون اساسی تأمین گردد.

و پلاکاردهای دیگری، که مردم را دعوت به رأی دادن به نامزدهای حزب توده ایران می‌کرد:
- کاندیداهای حزب توده ایران، پیگیرترین مدافع زحمتکشان!

- برای پایداری و گسترش انقلاب، به کاندیدا های حزب توده ایران رأی بدهید!

در ساعت ۶/۳۰ بعد از ظهر، با پخش سرود حزب توده ایران، مراسم آغاز شد. رفیق صابر محمدزاده اولین سخنران این گردهم آیی بود. او در سخنان خود از جمله گفت:

... ضد انقلاب برای پیشبرد اهداف خود، با ایجاد نارضایتی و تفرقه، زمینه و پایگاه می‌جوید. در برابر توطئه‌های ضد انقلاب بایستی با قاطعیت مبارزه کرد. مؤثرترین نحوه مبارزه با ضد انقلاب، تحقق اهداف ملی و دمکراتیک انقلاب است، یعنی ریشه‌کن ساختن نفوذ امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک برای همه مردم ایران از زن و مرد و همه خلق‌های ایران، حق تعیین سرنوشت برای ملیتهای ساکن کشور ایران، تأمین عدالت اجتماعی بسود محرومین جامعه، خاتمه دادن به غارتگری چپاولگران گوناگون ثروت ملی و محصول کار زحمتکشان و بهبود همه جانبه زندگی مردم محروم. برای پیشبرد سریع این اهداف، وحدت عمل و نیروی تمام اتحاد ملی و میهن پرست خلق ما حیاتی است...

حزب توده ایران نظریات و پیشنهادهای مشخص خود را در مورد سالم سازی نظام اقتصادی و تأمین حقوق و آزادیهای دمکراتیک و خلقی، به هنگام بررسی پیش نویس قانون اساسی، انتشار داده است. ما به جهت ایمان و اعتقاد راسخ خود به اعتدالی ایرانی آزاد و مستقل، در کارزار انتخاباتی شرکت می‌کنیم.

وجود یک قانون اساسی مدون و کامل و وفادار به روح انقلاب عظیم خلق ما می‌تواند کشور ما را از وضع بغرنج کنونی نجات دهد و به بسیاری از اقدامات غیر قاطع، ناپیگیرانه و غیر انقلابی پایان بخشد.

تنها با در دست داشتن چنین سند قانونی و ارزنده است که می‌توان بر مشکلات بوشماری که بر میهن ما حاکم است و ضد انقلاب می‌کوشد آنها را دائمی و لاینحل جلوه دهد، فائق آمد. ما پیش نویس قانون اساسی را با گشاده رویی و حسن نیت کامل، جز به جز بررسی کرده‌ایم و پیشنهادهای خود را در هر مورد بطور مشخص انتشار داده‌ایم. ما اعتقاد راسخ داریم که دولت قانونی منتخب، با پشتیبانی خلق زحمتکش و با بر خورداری از یک خط مشی اصولی و انقلابی قادر است راه پیشرفت و سعادت ایران را هموار سازد.

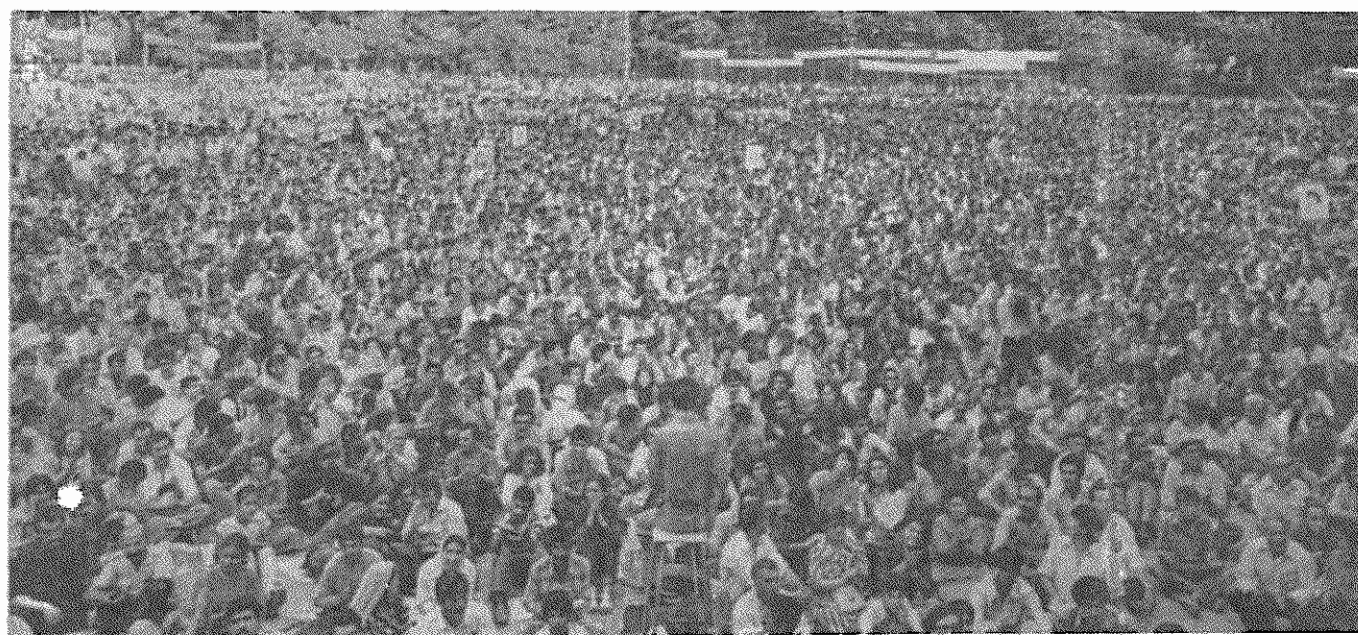
جمعیت رفیق محمدزاده را بشمار:

- درود بر کمیته مرکزی حزب ما!

- زنده باد جبهه متحد خلق ما!

بدرقه کرد، سخنران بعدی رفیق مریم فیروز بود. او در میان احساسات گرم دهها هزار نفر سخنان خود را آغاز کرد و از جمله چنین گفت:

... تقریباً در چهل سال پیش، حزب توده ایران در همان



گوشه‌ای از اجتماع باشکوه انتخاباتی اعضا و هواداران حزب توده ایران در زمین چمن دانشگاه تهران

و از آن پاسداری کنیم و دست آن نامردمی را که با قصد سوء به این دلبند ما نزدیک میشوند، کوتاه کنیم. بر ما زنان است که آگاه و از خود گذشته زندگی‌ها را حفظ کنیم و با فرستادن نمایندگان شایسته به مجلس خبرگان، امید زندگی و پرورش این انقلاب را صدچندان سازیم. بر ما زنان و مادران است که با عزمی راسخ از نمایندگان شایسته خود بخواهیم که از حقوق زن دفاع کنند و بکشند که بطور سریع و دقیق در قانون اساسی حق زن و مادر ذکر و محفوظ شود، این امکان به زنان داده شود که وظیفه بزرگ خود، یعنی مربی انسانها بودن را انجام دهند.

ما زنان آرزو داریم که جامعه ایران هر چه زودتر از این نابسامانیهای اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی، که رژیم پهلوی برای ما باقی گذاشته، بیرون بیاید. ما زنان مصمم هستیم که همه نیروی خود را برای ریشه‌کن کردن امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا بکار ببریم.

ما زنان میخواهیم که مقام زن و مادر محترم باشد و هیچ فردی هیچ قانونی نتواند به این مقام توهینی کند و این کابوس هولناک و موهن، که زن را همچون عروسک ویا برده در جامعه ساخته، از روی جامعه نوین کنار گذاشته شود.

ما زنان میخواهیم که کودکان ایران تندرست بار بیایند و از آموزش و پرورش برخوردار باشند.

ما زنان میخواهیم که در جامعه، چه در شهر و روستا و چه در کارگاه و کارخانه و چه در دستها و مزارع، کار زن به حساب بیاید و زندگی انسانی و برابر حقوق برای او از هر جهت تأمین گردد.

جمعیت انبوه که بارها سخنان رفیق مریم فیروز را با شمارهای:

- درود بر کمیته مرکزی حزب ما!

و کف زدنهای ممتد تحسین کرده بود، این رفیق را، که در طول سخنرانی اش حمله ضد انقلاب شدت یافت، بشمار:

- درود بر شیرزن حزب ما!

بدرقه کرد. چند لحظه بعد نام رفیق احسان طبری، بعنوان آخرین سخنران گردهم آیی، اعلام شد. جمعیت با شنیدن نام رفیق ارجمند باخاست و با شور و هیجان، دقایقی چند کف زد و آنگاه شعار:

درود بر طبری!

همه میدان را پر کرد چون مشت محکمی بر دهان ضد انقلاب، که علیه سرداران حزب ما یاره میبافت، فرود آمد.

آنگاه سخن رفیق طبری آغاز شد، که متن کامل آن در این شماره چاپ شده است.

رفیق طبری در میان احساسات گرم و شمارهای آتشین دهها هزار توده‌ای وسایر میهن پرستان تریبون را ترک گفت.

یورش ضد انقلاب و مراقبت پاسداران

ضد انقلاب برای بهم ریختن اجتماع بزرگ انتخاباتی حزب توده ایران تدارک وسیع دیده بود. گروهی نزدیک به ۳۰۰ نفر از آغاز مراسم، به راه پیمائی و دادن شعار علیه حزب توده ایران و کمونیستها پرداختند. حزب توده ایران، که پیش بینی چنین یورش را از جانب ضد انقلاب کرده بود، با تشکیل دو صف زنجیره‌ای از کادرهای جوان حزب بدور زمین چمن، راه نفوذ را بر ساواکیها و مائوئیستها و عناصر نا آگاه متعصبی که توسط آنها تحریک شده بودند، بسته بود. ضد انقلابیون چند بار کوشیدند زنجیر مراقبت را درهم

آغاز زندگی خود، اعلام کرد که حقوق زن باید با مرد مساوی باشد، و در آن دوران یگانه حزبی که چنین کرد، حزب توده ایران بود. این حزب، ما را در سازمانهای خود با حق مساوی و رای مساوی رامداد. حزب توده ایران در همان روز نخست اعلام داشت که بدون شرکت زن هیچ انقلابی و هیچ نهضتی پیروز نخواهد شد. حزب توده ایران به ما زنان این امکان را داد که بحقوق خود آگاه شویم و ما در مکتب این حزب بزرگ انقلابی آموختیم که استعداد زن، شخصیت زن بسیار والا و ارجمند است.

ما زنان در حزب توده ایران به این اصل بزرگ پی بردیم که برده نمیتواند انسان آزاد تربیت کند و نیمی از جمعیت ایران نباید رنج ببرد، جان بکند، بار سنگین خانواده را بدوش بکشد، در راه انداختن چرخ اقتصادی کشور سهم بزرگی داشته باشد، اما خود از ثروت بوجود آمده بهره‌ای نبرد و با او مانند موجودی ضعیف و ناقص رفتار شود و بر پایه همین دلایل موهن او را از اظهار نظر و دخالت در امور کشور، یعنی آموزش زندگی خود بازدارند... زنان ایران آگاه شده‌اند و در سال پرشکوهی که گذشت، از آغاز تا پایان، در همه تظاهرات، در هر اقدام و کساری که برای پیشبرد انقلاب و پیروزی آن لازم بود، شرکت کرده‌اند. چه شکوهمند و غرور آفرین است آنچه را که زنها کردند! فداکاریها، بیباکیها و از خود گذشتگیهای آنها هم حماسه است و هم حماسه آفرین...

این انتخابات نقطه عطفی است در زندگی مردم ایران. دنیائی چشم به این انتخابات دوخته است. دشمنان مردم از کوچکترین برخورد و ناچیزترین رویدادها برای خراب کردن این انتخابات، برای سست کردن پی انقلاب استفاده میکنند. بر ما زنان است که هشدارانه بر بالین این کودک تازه بوجود آمده، یعنی انقلاب بایستیم

درود بر پاسدار!

پاسداران، در میتینگ بزرگ انتخاباتی حزب توده ایران، با نهایت هوشیاری و دلسوزی سرگرم مراقبت بودند و اجازه ندادند که ضد انقلاب بتواند به مقصود شوم خود برسد و اجتماعی را، که بر گزاری آن مطابق قوانین جمهوری اسلامی ایران، حق هر حزب و سازمان سیاسی است، بهم بزند.

پاسداران، که ساعتی قبل از آغاز مراسم، در اطراف زمین چمن دانشگاه تهران حاضر بودند، با ماموران انتظامات حزب توده ایران همکاری صمیمانه کردند و در پشت زنجیر مراقبت رفقای ما مستقر شدند. در تمام طول مراسم، که فعالیت ضد انقلاب ادامه داشت، پاسداران با متانت و خون سردی مانع حمله آنها شدند و تنها یک بار که ضد انقلاب دست به کاریورش سازمان داده‌ای برای رسیدن به جمعیت شد، پاسداران با شلیک تیر هوایی آنها را متفرق کردند.

دهها هزار توده‌ای وسایر میهن پرستان، که در مراسم شرکت داشتند، با شعار «درود بر پاسدار»، از پاسداران تشکر کردند. حزب توده ایران هم بدینوسیله از این فرزندان دلدار، که حفاظت از انقلاب ایران را به عهده گرفته‌اند، صمیمانه سپاسگزار است.

حزب ما، در همه عرصه‌ها، خواستار وحدت است

تفرقه نیروهای مترقی، حربه دوزخی ضدانقلاب است

شعار حزب ما درباره «جبهه متحد خلق» سرانجام عملی خواهد شد

قانون اساسی باید زمینه پایان دادن به بهره‌کشی انسان از انسان را فراهم کند

رفقا، دوستان و هواداران گرامی! خواهران و برادران بسیار عزیز که دعوت ما را پذیرفته‌اید و در اینجا حضور یافته‌اید و یا در تدارک این مراسم نقش فعال داشته‌اید! اجازه دهید سخن خود را با درودهای گرم از جانب حزب توده ایران، از طرف رهبری آن، از سوی نامزدهای این حزب برای نمایندگی در مجلس خبرگان، بویژه از جانب نامزدهای این حزب در تهران (و از آنجمله خود اینجانب) آغاز کنم. درودهای گرم به همه هم‌میهنان از زن و مرد، از زحمتمکشان یسوی و فکری، از یاران انقلاب در شهر و روستا!

ما ترجیح میدادیم که در انتخابات مجلس خبرگان، به همراه همه نیروهای ملی و دموکراتیک (از روحانیت مترقی و مسلمانان انقلابی گرفته تا سازمانها و گروههای چپ)، از طرف یک «جبهه واحد خلق» فهرست مشترک نامزدها را تنظیم میکردیم.

ما همه جا در همه عرصه‌ها خواستار وحدتیم، مایلیم طبقه کارگر از جهت حزبی و سندیکائی متحد باشد. مایلیم اتحاد کارگران و دهقانان ستمکش شکل گیرد و نیروی عظیم خلق زحمتکش سازمان یابد. مایلیم نیروهای خلق (البته با حفظ استقلال سازمانی و نظریات خود) در عمل سیاسی متحد باشند. مایلیم همه خلقهای ایران (فارسیها و آذربایجانیها، کردها، ترکمنها، عربها، بلوچها) برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی میهن واحد، در عین نایل به حق خود در تعیین سرنوشته خویش، متحد باشند. مایلیم همه نیروهای ملی و دموکراتیک، که در واگسوسازی رژیم گذشته شرکت داشتند، در جنبشی، که در پیشاپیش آن امام خمینی نقش بزرگی ایفا کرده است، متحد باشند. مایلیم همه به همراه هم، بتوانیم انقلاب کنونی را زرفتر کنیم، بسوی بالاتر ارتقا دهیم و آنرا بیک انقلاب اصیل ملی و دموکراتیک بدل سازیم.

ولی متأسفانه هنوز این خواسته‌ها تحقق خود دور است. تفرقه حکمرواست. ضدانقلاب از آن شادان است و حتی عنصر مطرودی مانند دیکتاتور سابق ایران، از دیدن وشیدن این منظره به آن گستاخی میرسد که برای خود و خاندان تبه‌کارش شانس تاریخی میبیند، چنانکه خبر آنرا اخیراً در روزنامه‌ها خواندید.

ولی ما مطمئنیم که انقلاب راه خود را بسوی پیش خواهد گشود، روز تحقق شعار حزب ما درباره «جبهه متحد خلق» فرا خواهد رسید، دموکراسی ایران به چنین اتحادی نیاز دارد تا بتواند آزادی را با انضباط وحدت خلق و با اکثریت و تنوع سازمانها پیوندد و اجازه ندهد که آنارشیزم و هرج و مرج دموکراسی را ببلعد و سرانجام استبداد را جان نشین آن کند. وحدت عملی نیروهای مترقی و انقلابی، شرط نجات انقلاب و تکمیل و زرفترش آن و افکندن جامعه بزرگ کشور به ناو ما در جاده یک تکامل واقعی است.

حزب توده ایران در این انتخابات با مشتئ ادعای میان‌تهی بمیدان نیامده، چهره‌اش در تاریخ شناخته شده است. این حزبی است که هرگز با استعمار و نو استعمار و استبداد دستنشانده آن سازش نکرد، کنار نیامد و هرگز دفاع از خلق و آرمانهایش را رها نکرد. هرگز از پخش سخن و اندیشه حقیقت‌گویانه باز نایستاد. سرشت و گوهر یک حزب را عملش نشان میدهد. کدام

سازمان سابقه دار دیگری را میتوان نشان داد که طی چنین مدت درازی، با آنهمه ایثار، در سبک خود، بی‌زلزل و وفادار به آرمان طبقه کارگر و خلق ایستاده باشد؟ ما از ارزش والای فداکاری گروههای سیاسی دیگر ابداً نمی‌گاهیم و به نقشی که آنها در این انقلاب ایفا کرده‌اند، با دیده تحسین مینگریم. ولی به سابقه طولانی خود در میدان مبارزه و نقشی که برای زمینه‌سازی فکری و سازمانی تحول بنیادی انقلابی در جامعه داشته‌ایم، مایلیم در مسلمانان بالیدن بحق و عادلانه‌است. نه از نوع لاف‌زنی‌های بوج، مبتنی بر واقعیت است، نه مبتنی بر پنداره‌های واهی و ذهنی.

طبیعی است حزبی که قریب چهل سال مبارزه را در یکی از دشوارترین و بفرنج‌ترین ادوار تاریخ جهان و ایران در پشت سر دارد، از خطا و لغزش، از رفیقان نیمه راه و عهد شکن، از فاجعه‌ها و شکست‌ها نمیتواند فارغ باشد. ولی آیا اینهاست چهره نگار حزب ما؟ ابداً! حزب توده ایران، حزب انقلابی بیکسو و حزب اصولیت بسی‌زلزل است، و اگر چنین نبود، در داماتش روز به روز، سیامک‌ها، و کیلی‌ها، جلالی‌ها، عطاردها، عزیزهای، وزیران‌ها، محقق‌زاده‌ها، مشیری‌ها، کلانتری‌ها، فرسیدون ابراهیمی‌ها، عظیمی‌ها، حکمت جوها، تیزابی‌ها، حیدری‌ها و صدها و هزارها شهیدقهرمان بنام یا گمنام دیگر پرورش نمی‌یافتند.

خود این پایداری بسی نظیر مبارزان حزب ما در برابر سیریل گل‌آلود و قیرگونه اقسام و انواع افتراآت، که قطع نشده و نمیشود و نخواهد شد. یکی از علائم مهم سرسختی آنها در ایمان و اعتقاد خلقی است. اکنون حزب در روند یک نوزائی است و صفوف خود را از مبارزان جوان و نین از مجاهدان آبدیده بوجود می‌آورد و به سطح بالاتر رشد و اوج می‌آید.

ما در کنار نامزدهائی که در تهران و شهرستانها داریم، اسلام داشتیم که به برخی نامزد های مترقی دیگر نیز در تهران و شهرستان رأی خواهیم داد. در تهران ما به آیت‌الله‌ها رأی، به آقای مسعود رجوی، به آقای ابوالحسن بنی‌صدر رأی میدهمیم تا سیاست وحدت طلبانه خود را در عمل نشان بدهیم. ما با نهایت میل به نامزدهای چریکهای فدائی خلق (که برای سازمان آنها از جهت همانندی جهان‌بینی با خود و از جهت نقش‌شان در انقلاب ارزش قائلیم) رأی میدادیم، ولی متأسفانه اختلاف دیدگاه ما در مسائل مهم جاری و احتراز مکرر این دوستان از قبول دست دراز شده ما بسوی آنها، وضع را، علیرغم میل ما، بشکل دیگری در آورده است. ما امیدواریم که روزی به‌روان اصیل مارکسیسم-لنینیسم بتوانند در حزب واحد سراسری خود گرد آیند و امر وحدت رهبری و سازمانی طبقه کارگر را در سراسر کشور تحقق بخشند. ما میدانیم که برای اینکار فزنی مسائل و دواوری زمان لازم است و ما خود فن شکیب را از گذران دشوار زندگی سیاسی فرا گرفته‌ایم و باور داریم که جسانهای صدیق انقلابی بیکدیگر را خواهند یافت و دغفلان و نادردستان و ذهن گریبان را بسوی خواهند زدویکدیگر را در آغوش خواهند گرفت. من بنویس خود آرزو می‌کنم.

ما در دوران شگرف و بزرگ انقلاب ایران زندگی می‌کنیم. این انقلاب تمام نشده و به سرانجام نرسیده و نظام و تثبیت نوین را جانشین نظام و تثبیت ارتجاعی کهن نساخته و در شرایط کنونی، مرحله

خط ناک و بفرنج‌انتقالی را میگذرانند. هر قدر روند تثبیت تسریع شود، هر قدر مرحله انتقالی کوتاهتر گردد، همانقدر زودتر میتوان ضد انقلاب را از باز گرداندن «بهشت گمشده‌اش» مایوس ساخت.

استقرار جمهوری اسلامی یک گام مهم بود. تصویب پیش‌نویس قانون اساسی گام مهم دیگری است. پیش‌نویس قانون اساسی، که امام خمینی چند بار موافقت خود را با آن اعلام داشت، بنظر ما زمینه و پایه خوبی است ولی در آن نقائص هم میبینیم.

ما بمحض انتشار پیش‌نویس قانون اساسی، طی نامه‌ای سرگشاده از جانب کمیته مرکزی حزب و سپس طی چندین مقاله در روزنامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، به تفصیل نظریات خود را در مورد وجود این پیش‌نویس نوشتیم. ما جدا بر آنیم که این پیش‌نویس باید در جهت مترقی‌ونه در جهت ارتجاعی وجود یابد.

مردم با این قانون اساسی چشم‌دوخته‌اند. دنیا نگران ماست. انقلاب ما در چنان سطح والائی بود که باید به‌نمره واقعی برسد. نباید امیدها را نسوید ساخت و بخاطر شهیدان بدبینانی کرد. ما جدا در این زمینه بر خرد میداریم، زنده‌ها را می‌دیم و نگرانی خود را ابراز میداریم. ضدانقلاب با توسل به بهانه‌های عوامفریبانه در این زمینه کوشا است. باید مواظب و گوش‌بن‌نگ بود نقش ضد انقلاب را عقیم گذاشت. این کار بدون تردید شدنی است.

ما مایلیم که قانون اساسی آینده، نظام اقتصادی-اجتماعی ایران را بدرستی و روشنی بیان دارد. این نظام نه فقط نباید نظام سرمایه‌داری وابسته رژیم گذشته باشد، (که مستقیماً استقلال کشور ما را زیر ضربت قرار میداد) بلکه باید نظامی باشد که در آن زمینه‌های خاسته دادن به بهره‌کشی انسان از انسان پیش از پیش فراهم گردد؛ ما به سه نوع مالکیت، دولتی، تعاونی و خصوصی، در شرایط، کنونی معتقدیم و بر آنیم که نقش عمده‌ها باید در اقتصاد ما مالکیت دولتی ایفا کنند.

مالکیت خصوصی در تولید و در خدمات، در شهرده، در حدودی که برای سیر متعادل اقتصاد ما گزیر است، باید در شرایط تاریخی کنونی حفظ شود. به‌لاوه این درست نیست که ما با مالکیت شخصی، (که از کاریدی و فکری حاصل شده باشد)، یا مالکیت خصوصی، (که با تولید و توزیع ملی سروکار داشته باشد)، مخالفیم.

ما مایلیم که قانون اساسی ماسیاست عدم تعهد، دفاع از صلح، دفاع از جنبشهای مترقی را، از اصول بنیادی سیاست خارجی ایران قرار دهد، تاریک خیانت‌های فحشیمی مانند ورود در پیچ‌های سعادت‌آباد و بغداد دستو، با آنهمه عواقب ناگوار، تکرار نکردد. ما طرفدار سیاست عدم تعهد هستیم، نه آنطور که مخالفان و دشمنان حزب ما القاء شبهه می‌کنند، طرفدار سیاستهای «یکطرفه‌انه» ما با بسط روابط با همه کشورهای جهان موافقیم. فقط مایلیم این روابط بر پایه برابری حقوق و صرفه‌مقابل باشد.

ما مایلیم که قانون اساسی ما آزادیها و حقوق دموکراتیک را با ایجاد ضامن‌های ضروری برای جامعه ستودیده، شکنجه کشیده و توهمین شده‌ها سرانجام تأمین کند. مردم کشور ما باید آزاد باشند و هم برخوردار از حقوق حقه انسانی خود.

تأمین حق خلقهای ایران در چهارچوب میهن واحد، برای خودمختاری، یکی از اجزاء حتمی دموکراسی است. تأمین برابری حقوق کامل زنان و مردان ایران یکی از اجزاء حتمی دموکراسی و ترقی است. اسلام برای دوران تاریخی خود گامهای مهمی در راه حقوق زنان برداشت با ابتکاء بآن روح و همان روش، ما از مسلمانان انقلابی چشم‌داریم که در مورد حقوق اجتماعی مادران و خواهران‌مان با یکگیری عمل کنند و اجازه ندهند که، به بهانه‌های مختلف، شرکت آزاد آنها در جامعه ایران دچار مشکلات شود. باید به‌حقه وق همه اقلیتهای قومی و مذهبی عمیقاً احترام گذاشت. باید بروحیات تحمیل و تحکم‌وازمیان بردن فضای تنفس سیاسی و مذهبی میدان نداد. هر گونه نقض عدالت

هر بهانه‌ای که باشد و انکشی ایجاد میکند؛ و امنیت و تعادل اجتماعی را بهم می‌زند. ما مایلیم که قانون اساسی تفکیک قوا و استقلال قوه قضائیه را تأمین کند و یک دستگاه دادگستری امروزی و غیر بوروکراتیک و مستقل و عدالت‌ساز بسازد و آورد و شرایطی ایجاد شود که تجدید حیات سازمان جهانی ساواک و نظائر آن و تجدید جنایت‌زدن انسانی شکنجه‌های روحی و جسمی برای ابد موقوف گردد.

اکنون مسئله داشتن یک قانون اساسی مترقی مسئله عمده روز است. باید تمام انرژیها صرف گردد تا باین هدف دست یابیم. از آنجا که نامزدهای حزب توده ایران از صادقترین و آگاه‌ترین و بیکسوترین مدافعان استقلال و آزادی و ترقی و رفاه عمومی زحمتکشان هستند، شرکت آنها در مجلس خبرگان، ضرور است و بکار این مجلس قایده جدی خواهد رساند.

اعضا، دوستان و هواداران حزب، از زن و مرد، پیر و جوان و نوباوه، باید با تهمین همه کسانی که به سخن آنها گوش میدهند، هر تلاشی را که میتوان بکار برد، بکار برند تا نامزدهای حزب ما شانس بیشتری برای شرکت در این مجمع مهم تاریخی بیابند.

ما میدانیم که تفرقه نیروها و تحریکات ضدانقلاب و نیروهای ارتجاعی اقدامات نیروهای راست افراطی و چپ افراطی سدهائی است که درس راه ماست. ولی هرگز سر نوشت مبارزان مترقی، سر نوشت آسانی نیست. حقیقت راه خود را با یکبار به پیش می‌کشاید.

دوستان عزیز! در منطقه‌های انتخاباتی محل خود هر چه بیشتر رأی دهندگان به نامزدهای حزب ما را بسوی صندوق ببرید! حتی از یک رأی هم ممکن صرف نظر نکنید، توجه داشته باشید که اینکار از هزاره که بیاندیشید کمکی است به حیثیت و اعتبار حزب، کمکی است به دموکراسی اجتماعی، کمکی است به تثبیت دموکراتیک جامعه، ضرر به ایست به ارتجاع و امپریالیسم.

این مهمترین عرصه مبارزه روز است و در این مهمترین عرصه، هر یک از ما باید با تمام نیرو و شور انسانی و انقلابی خود عمل کنیم، این عمل پایه گذار پیشرفتهای دیگر است. این عمل در جهت سالم‌سازی مجموع جامعه ماست. این عمل یک وظیفه مقدس ترک ناپذیر است، یک فریضه اجتماعی است. مطمئن باشید که شما در وجود نامزدهای حزب توده ایران به کسانی رأی میدید که به شما وفادار بوده‌اند، هستند و خواهند بود.

در پایان سخن وظیفه خود میدانم از جانب رهبری حزب و خود از تمام دوستان و اعضاء جوان، که در تدارک این مراسم همه تلاشها و ابتکارات خود را بکار برده‌اند، صمیمانه و با گرمی تمام سپاسگزاری کنم. سپس از انتخابات با هم‌میهن‌گرم و صمیمیت، بدون خستگی، بر اهم مقدس مبارزه خود ادامه خواهیم داد.

درود آتشین بر شما و بر همه ایرانیان انقلابی و مترقی. درود بر رهبر انقلاب ایران، امام خمینی! درود بر حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران!

بریزند و به جمعیت حمله کنند، اما موفق نشدند. در پشت زنجیر مراقبت، پاسداران مسلح قرار گرفته بودند، که از آغاز تا پایان مراسم، با دقت و دلسوزی کامل مانع هجوم ضد انقلاب شدند. در اواسط سخنرانی رفیق مریم فیروز، ضد انقلابیون، در ضلع غربی زمین چمن، در نزدیکی تریبون، با خشونت تمام سعی کردند زنجیر مراقبت را پاره کنند. آنها ابتدا، در حالیکه شمارهای ضد کمونیستی میدادند، در آن محل متوقف شدند. پاسخ دهها هزار نفر از حاضران به شعار: «مرگ بر کمونیست» آنها، درود بر جبهه متحد خلق ما بود. چند دقیقه بعد ضد انقلابیون، که پلاکاردی در دست داشتند، که روی آن نوشته شده بود، - زنده باد ما نویسیم، خفه کننده توده‌ای

در حالیکه چند نفر از آنها پیراهن‌های خود را بیرون آوردند، به صف مراقبت حمله کردند و با مشت و لگد بجان رفقای ما افتادند. رفقای ما با منطق کوشیدند آنها را آرام کنند، اما موفق نشدند. ضد انقلابیون حتی به درخواست پاسداران هم توجه نکردند. در این موقع پاسداران مجبور به شلیک تیر هوایی شدند و ضد انقلابیون را پراکنده نمودند، از این پس، تنها گروه کوچکی از ضد انقلابیون، که باقیمانده بودند، شروع به دادن شعار کردند، اما چون نتوانستند نظر کسی را جلب کنند، خودشان میتینگ کوچکی تشکیل دادند!

بدینسان، میتینگ انتخاباتی حزب توده ایران، با موفقیت کامل، با خواندن سرود حزبی، پایان یافت.

سیر و سرنوشت انقلاب مشروطیت

بمناسبت سالگرد انقلاب مشروطیت

و در سهایی که از آن میتوان آموخت

انقلاب مشروطیت ایران، از لحاظ ماهیت خود، انقلابی بود با خصلت دمکراتیک و ملی، در مقطع زمانی خود، اولی در نبرد مردم ایران علیه مطلقیت سلطنت با زتاب خود را می‌سافت و خلاصه میشد در محدود کردن قدرت و اختیارات نامحدود و مستبدانه شاه در چهارچوب قانونی. و دومی در مبارزه این مردم علیه سلطه خارجی و بخصوص دو قدرت امپریالیستی مقتدر زمان، که از شمال و جنوب ایران را محاصره کرده بودند، انعکاس می‌یافت و مشخصات آن عبارت بود از مبارزه علیه اعطای هرگونه امتیاز سرمایه‌داران خارجی و تلاشی برای انقراض امتیازات موجود، مبارزه علیه قبول هرگونه وام اسارت‌آور از سرمایه‌داران و قدرتهای سرمایه‌داری خارجی، مبارزه برای تامین استقلال بازرگانی و کوتاه کردن دست عمال استعمار از مالیه و گمرکات ایران.

این انقلاب از لحاظ ماهیت، نسب به سلسله انقلابهای بورژوازی قرن نوزدهم می‌رساند، و از لحاظ موقعیت تاریخی، از طرفی روبرو بود با آغاز اوج‌گیری دوران امپریالیسم، و در جهت مقابل، مقارن بود با شروع انقلاب‌های پرولتری و دوران تکامل لنینی مارکسیسم، و از این جهت بطور سببی با این انقلابها خویشاوندی پیدا میکرد. در پشت سر این انقلاب، یک بورژوازی تجاری نوزاد قرار داشت، که بطور عمده در نواحی شمال ایران جان میگرفت و تسن نجیب خود را افتان و خیزان بجلو میکشید و میکوشید تا خود را از سلطه منافسات مستولی فتوادی، که بیش از نیم قرن سخت جانی بخرج داده، و بملت پشیمانان دو قدرت شمالی و جنوبی، هنوز بر سر پا مانده بود، نجات دهد. و چنانکه دیدیم خواستهای آن از خواستهای محبوبانه یک بورژوازی تجاری تازه‌ترس‌فرا ترنمیرفت، و با وجود این، از همان آغاز پیدایش خود، با خصوصیت‌دمنشانه بریتانیای کبیر، این «گهواره دمکراسی و حکومت مشروطه» از سمت جنوب و دولت میلیتاریستی بی‌نقاب تزاری روسیه از سمت شمال، مواجه گردید.

روسیه تزاری و امپراطوری انگلستان دشمنان اصلی انقلاب مشروطیت

خصوصیت دولت چهار روسیه تزاری، این‌زاندانم ملل‌خاور و باختر، با انقلاب نیم‌رنک مشروطیت مفهوم است. این انقلاب با همه نواقص و نقطه‌های ضعف خود، برای سلطنت مطلقه و قرون وسطایی «تزار نیکولای خونخوار» (لنین تقریباً همه جا اورا اینچنین مینامید)، که با زحمت فراوان، به قیمت قتل‌عام هزاران نفر مردم زحمتکش، گریبان خود را از چنگال انقلاب ۱۹۰۵ رها نکرده بود، خمیر مایه یک خطر جدی را در خود مجسّم داشت. لنین درباره بازتاب متقابل انقلابهای رها نیشخنی تا کید میکند که «تمام نیروهای باصلاح دمکرات و رادیکال و مترقی و لیبرال» از پیروزی این انقلابها سخت بیمناکند، زیرا نتیجه اجتناب‌ناپذیر آن عبارت خواهد بود از اینکه از سویی تمایل استقلال طلبی و دمکراسی اصیل‌بین تمام ملل بالکان تقویت شود، و از طرف دیگر پیروزی انقلاب ایران تضمین گردد، روح تازه‌ای در کالبد مبارزات و نهضت‌های آسیایی دمیده شود، نبرد در هندوستان برای حصول استقلال قوامیابد و سازمان‌های آزاد در سراسر مرزهای طولانی روسیه بوجود آید، و بالنتیجه منجر بایجاد شرایط نوینی گردد که سیاست ارتجاع سیاه تزاریسم را منزول سازد، و وقوع انقلاب را در خود روسیه تسهیل کند.»

بدین ترتیب یکی از علل خصومت، و شاید عمده‌ترین علل این خصومت، از طرف دولت و دربار تزاری نسبت به انقلاب مشروطیت ایران روشن میشود. ولی موضوع بهمین جا ختم نمیکرد. آتش انقلاب در وهله نخست نقاط شمالی ایران را فرا گرفته بود. استانهای مازندران، گیلان، آذربایجان، که مراکز اصلی تحریکات انقلابی را تشکیل میدادند (بورژوازی تجاری در این نقاط نسبتاً پیش‌رفته نفع میگرفت و نیرومند میشد)، همه در شمال ایران در مجاورت روسیه تزاری قرار داشتند و عرصه اصلی نبرد رادرجیان نهضت انقلابی ایران تشکیل میدادند، در حالیکه نواحی جنوب، یعنی منطقه‌ای که عملاً در زیر تسلط بریتانیا قرار داشت و جزء «منطقه نفوذ» آن محسوب میشد، در آرامش نسبی بسر میبرد. این

واقعیت درنامه سیر وقت بریتانیا مقیم ایران سفارت متبوعه‌اش، تا حدود زیادی انعکاس یافته است: «نواحی جنوب نسبتاً آرام است، و بطور کلی نسبت به دولت مرکزی وفادار است. لیکن مسافری که از جنوب به شمال سفر میکند، متوجه میشود که هر منزل از سفر خود را که طی میکند، لحن سخن مردم آزادتر و نظرشان نسبت بشاه و دولت خصمانه‌تر میگردد. و خارجها بر حسب ارتباطات خود با دولت کنونی محبوب و یا منفورند. احساسات استقلال‌خواهی... در آذربایجان از هر جای دیگر شدیدتر است و در پایتخت خیلی قوی است.»

زمینه دیگر منوط به موقعیت مرجع دولت تزاری در ایران است، شاه و دربار سلطنتی و جناح عمده‌ای از درباریان زیر بار اوامهای دولت تزاری، با انقلابی که موجودیت نظم اجتماعی آنرا بخطر میافکند، و ملت پشیمانی بی‌فقد و شرط آنان از نظام استبدادی ایران روشن میگردد.

با این توضیحات، یکی از زمینه‌های عمده مناصحت دولت تزاری، و از این راه وابسته بدان بودند، گمرکات شمال ایران در زیر نظارت مامورین تزاری اداره میشد، بریکاد قزاق، یگانه نیروی مسلح با انضباط ایران، تحت فرماندهی مامورین و افسران تزاری قرار داشت.

محمد علی میرزا که میبایست بزودی جای پدر علی خود را بگیرد، از دست پروردگان شاپشال و تا مغز استخوان وابسته بدولت تزاری بود و همانندی نظام حکومتی اورا طبعاً بسوی دربار تزاری میکشاند.

برای دولت تزاری تامین سلطنت آینده و ولعهد، بر اساس اصول استبدادی، در نهایت درجه اهمیت قرار داشت و بسادست چنین پادشاهی نه تنها میتوانست موقعیت مرجع خود را برقرار نگاهدارد، بلکه امید داشت که بدست محمد علی میرزا، موقعیت هر چه مستحکمتری نسبت برقیب جنوبی خویش بدست آورد.

اما بریتانیای کبیر، در موقعیتی قرار داشت از هر لحاظ در نقطه مقابل دولت تزاری روسیه. در بریتانیا یک دولت بورژوازی پیشرفته حکومت میکرد که طبعاً استقرار نظام مشروطیت، از لحاظ ماهیت حکومتی، نمی‌توانست تهدیدی برای آن باشد، خاصه آنکه بریتانیا را یک قاره تمام از ایران جدا می‌کرد. بدین جهات و بسبب قرابت نسبی بین نهضت انقلابی ایران و نظام حاکم بر بریتانیا، قاعدتاً انتظار مهربان که آن دولت، اگر پشتیبان انقلاب ایران نباشد، اقلاً با آن درصدد معارضه و مناصحت بر نیاید. اما میدانیم که چنین نبود. میدانیم که بورژوازی انقلابی دیروز، چون بقدرت رسیده، بحاکمیت سرمایه تکیه کرد. آزادی، برابری، برادری، که بر روی پرچم بورژوازی انقلابی حک شده بود، پس رسیدن آن بقدرت، بدل شد به مانع بازدارنده‌ای در مقابل کشورهای رشد نیافته، و بورژوازی حاکم، با پشتیبانی از منحنط‌ترین و ارتجاعی‌ترین نیروهای اجتماعی در این کشورها، میکوشید آنها را در رخوت قرون وسطایی میکوبد و فزونیهای طبیعی آنها را به تاراج ببرد. در این زمان مستعمرات بریتانیا در سراسر جهان مشرق و آفریقا گسترده بود. هندوستان، این شبه قاره با جمعیت وسیع خود، تابع امپراطوری بریتانیا شمرده می‌شد و هرگونه توسعه نهضت انقلابی در ایران می‌توانست نهیب بیدارباش بتوده‌های اسیر این سرزمین باشد و آنها را علیه بریتانیا برانگیزد.

بریتانیا بر تمام خطه نیمه جنوبی ایران تسلطی بلامنازع داشت و اینک دیگر سالها می‌گذشت که بریتانیای کبیر پایه سادت خود

را بر سواحل جنوبی و شمالی خلیج فارس مستقر کرده و اکثریت عظیم شیخ نشینهای جنوب خلیج را در بند اسارت خود کشیده بود. در حقیقت بر ورز زمان، در نیمه جنوبی ایران، و بخصوص در نقاط ساحلی، مأمورین و امنای دولتی ایران وابسته به مرکز فرماندهی بریتانیا در جنوب شده و چهره خواران شرکت هند شرقی در آمده بودند. بنا بر این هرگونه گسترش نهضت انقلابی در ایران نه تنها امتیازات بریتانیا را در این کشور، بلکه حاکمیت آنرا در مستعمرات آسیایی بخطر می‌افکند. سازش با یک نهضت انقلابی اصیل در ایران برای بریتانیا امکان پذیر نبود. در عین حال بملت تسلطی که دولت تزاری پروردگار سلطنتی ایران داشت، بریتانیا نمی‌توانست بدون تدارک قبلی وبدون استوار کردن زیر پای خود، برای درهم کوبیدن انقلاب ایران دست در دست دولت تزاری بگذارد، زیرا بدون چنین تدارکاتی، سرکوب انقلاب ایران موقعیت یک سلطنت تحت نفوذ رقیب رادرجیان استوارتر از پیش میساخت و میوه‌ی پیروزی ضد انقلاب یکسری بدامن دولت تزاری می‌افتاد. انقلاب ایران از نظر امپریالیسم بریتانیا بطور قطع می‌بایست درهم شکسته شود، اما بنحوی که بسود رقیب تمام نگردد.

با این جهات بود که بریتانیا در مقابل نهضت انقلابی ایران یک روش دو پهلو در پیش گرفت، در ظاهر بی‌طرفی متعادل به جانبداری از انقلاب و در باطن تلاش برای کشاندن دولت تزاری به سازش برای سرکوب نهضت. بریتانیا در سفارت خود را بروی مشروطه خواهان کشود. اینرا بسیاری از مورخین، از جمله ودر درجه اول پروفسور ادوارد براون، نویسنده تاریخ انقلاب ایران (سال ۱۹۱۰) و یاران ایرانی او، یعنی گروه ترقی‌زاده، که نماینده یک روند ناسالم در داخل نهضت انقلابی ایران بود، وسیله‌ای قراردادند برای اثبات «حسن نیت» بریتانیا و «رپایان تبرئه آن دولت از مسؤلیت سرکوب انقلاب. این برآمد نه تنها بسود نهضت انجام نگرفت، بلکه مقدمه و زمینه‌ای بود در جهت نقض استقلال و تمامیت ارضی ایران. پس از سالها باز بریتانیا می‌کوشید تا دولت تزاری را در تقسیم آسیا واز آنیمله ایران و در نتیجه سد کردن حدود نفوذ دولت تزاری در ایران، که پیوسته بسوی جنوب پیشروی می‌کرد، برآورد، و دولت تزاری که خود را در موقعیت متفوقی میدید، تن باین محدودیت نمیداد.

سازشکاران راه را بر ضد انقلاب هموار کردند

با آغاز تحریکات انقلابی در ایران، فرصتی بدست بریتانیا افتاد که بطور ضمنی بدولت تزاری گوشزد کند که انقلاب ایران در درجه اول یک همسایه دیوار بدیوار را در معرض خطر قرار میدهد و شعله این آتش بلافاصله متوجه مرزهای آنسوی شمال خواهد بود و یگانه راه فرو نشاندن این شعله، سازش بین دو قدرتی است که از شمال و جنوب بر این کشور تسلط دارند. این در حقیقت یک نوع گروکشی بود برای برآوردن دولت تزاری، چنانکه بعضی اینک دولتمن در پشت پرده بتوافق برای محدود کردن منطقه‌های نفوذ در آسیا و در ایران رسیدند، دولت بریتانیا، جازم و مصمم برای سرکوب انقلاب ایران، با خطری آسوده دست در دست دولت تزاری گذاشت. نقطه اوج این توافق کودتای خونین محمد علی میرزا بدست لیاخوف بود که بدوران نخست انقلاب مشروطیت نقطه پایان گذاشت. اما مسلماً خطای بزرگی خواهد بود اگر پیروزی محمد علی میرزا بر انقلابیون را تنها نتیجه قدرت او و پشتیبانی دو قدرت امپریالیستی بدانیم. این شکست را در عین حال عوامل داخلی مذبذب، دور و ناساستوار، که جمعی در حلقه فراماسونری بودند، از قبیل ناصر الملک، مشیرالدوله، تقی‌زاده و همشان آنها، که از توسعه نهضت انقلابی و ایجاد انجمن‌های توده‌ای، بمثابة ارگان مسلح انقلاب، سخت مرسان شده بودند و سازش با محمد علی میرزا را بر پیروزی کامل یک انقلاب اصیل توده‌ای ترجیح میدادند، باعث شدند و این نخستین ضربه‌ای بود که از ناحیه این گروه بر انقلاب ایران وارد آمد.

- ۱- نهضت‌های رهائی‌بخش، از لنین، بزبان انگلیسی، صفحه ۳۶۶
- ۲- استقرار مشروطیت، گردآورده حسن معاصر، صفحه ۲۴۱ - ۲۴۰

یادی از انقلاب مشروطیت ایران

کودک من براه سحرها قصه‌ای با تو امشب مرا هست شرح افسانه سینه سوزی یاد عشقی که در اشک بشکست.	یاد آزادی و یاورانش یاد مردان افتاده بر خاک یاد آن دفتر شعله در جان یاد آن نامه چاک در چاک.	از همه آتش و خون و باروت از همه نانک فریاد و ماتم کوشه‌ای را برت می‌نمایم صفحه‌ای پیش تو میکشایم.	در غروب بر اندوه و بیم زخم خورده ست تهران پای آزادگانش زنجیر شاه خود گامه‌اش مست و دل‌نشد
بوی باروت با شب هماهنگ غرش توپ از دور در گوش نال‌های گاه خط می‌کشد، محو روی سیمای این شهر خاموش.	زیر مهتاب «عدل مظفر» یوکر خسته‌اش را نشاندهست از هیاهوی دیروز در آن موج افسوس برجای ماندست.	خون آزادگان رنگ در رنگ نقش بیدادکنده است بر سنگ در دهانها سرودی شکست عقد‌های می‌تند در دل تنک.	خوب قزاقها، پای کوبان
گرم تاراج در شهر خاموش نمش مرد مجاهد سرباه مانده تنها و گشته فراموش.	دارهائی که در باغشاهت نقش مرغان خونخوار دارد سر بر افراخته در دل شب قهرمانی بمنقار دارد.	بر لبان نسیم شب آورد پاره کاغذی چرخ دارد شاید این نامه «حبل‌المتین» است یا که از «صوره» با یاد دارد.	در شبی این چنین خفته در خون در غمی شوم و از کینه لیریز نبض آزادی که میزند باز
چشمها میدود سوی تبریز. چهره‌هایی در این شهر پر جوش منتظر ماند، تا رخ نماید کینه‌ای در کهن است بیدار تا کند آنچه را می‌بشاید.	غنچه‌ای میکشود به تبریز آبدیده ز خون دل‌هران دستی آنجا تفنگی فشارد بهر آزادی خلق ایران.	«میر خوز» از دلش زاده خورشید تا بر آید، بر اندسیاهی شکند دست خود کاه و زور بر کند ریشه‌های تپاهی.	
تا که تاجی نشسته بخون شد شعله‌ای بود و خاموش کردند نغمه‌ای بود و پیردند از یاد مویه‌ای بود و چپدند نارس توشه‌ای بود و دادند بر باد.	کودک من براه سحرها رنج آزادگان برد باید بهر آزادی خلق محروم تور بیگانگان خورد باید. تا که از آه دل‌های بیدار گردبادی بر آید دگر بار سرد خاکستر غم بر روی از سر شعله‌های شربار.	تا که خود گامه‌را بشکند تخت مشت مستحکم خشم مردم ورسطور کهن دفتر ملک نام دربار نشکین شود کم.	

جنبش «غیر متعهدها» و نظریه «موازنه منفی»

جلو خوانین سابق را بگیرد

از شیر از خیر میرسد که در اطراف مرودشت و اطراف فیروز آباد روستا های متعددی هست که خوانین سابق از وضع کنونی سوءاستفاده نموده مانع میشوند که دهقانان به برداشت محصول بپردازند. این مالکان بزرگ مرتجع، که میخواهند همچنان خون دهقانان را بمکند، در دهات میگویند که قرار است مجدداً زمینها به صاحبان قبلی، یعنی فئودالها برگردد، شما دهقانان حق برداشت محصولات را ندارید و اصلاً محصول متعلق به شما نیست. از این عمل ضد انقلابی زمینداران بزرگ میتوان با آسانی جلوگیری کرد، بشرطی که دولت فوراً سیاست ارضی خود را روشن کند و همانطور که انقلاب ما و حق مسلم دهقانان حکم میکند، اعلام نماید که کلیه زمینها متعلق بخود دهقانان است و جلوی هر گونه تشبیه ضد انقلابی و دسیسه و فسادگرانه خوانین و مالکان گرفته شود.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته سه شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود. نشانی: خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن: ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

بزودی - در شهریورماه - ششمین کنفرانس کشورهای «غیر متعهد» در هاوانا تشکیل خواهد شد.

جنبش کشورهای «غیر متعهد»، که نخستین کنفرانس خود را با شرکت ۲۵ کشور تشکیل داد، اینک ۸۶ کشور عضو و دو سازمان جهانی بخش - سازمان آزادیبخش فلسطین و سازمان آزادیبخش نامی بیاسرا در بر میگیرد.

آغاز پیدایش این جنبش بر مبنای مقابله با سیاست امپریالیسم امریکا در ایجاد بلوک بندیهای نظامی بود که دالس (وزیر امور خارجه اسبق امریکا) تدوین و اجرا می کرد تا از طریق اتحادیه های نظامی از نوع ناتو، سنتو، سیتو و غیره، اولاً سلطه نواستعماری خود را بر «جهان آزاد» برقرار سازد، ثانیاً مانع از پیدایش ورشو و پیروزی جنبش های رها ئی بخش ملی و استقلال کشورهای «جهان سوم» گردد و ثالثاً بر مبنای «جنگ سرد»، به تدارک جنگ بر ضد کشورهای سوسیالیستی بپردازد.

این سیاست شکست خورده است و این شکست از جمله در توسعه جنبش کشورهای «غیر متعهد» و در متلاشی شدن برخی بلوک بندیهای نظامی امپریالیستی نظیر سنتو و سیتو، در غلبه سیاست تنش زدائی و همزیستی مسالمت آمیز بر سیاست «جنگ سرد»، در فروریختن آخرین دژهای ظاهر بسیار مستحکم امپریالیسم، نظیر رژیم های دست نشانده و خونخوار شاه مخلوع و ساموزا در ایران و نیکاراگوئه محصم است.

ولی امپریالیسم، امپریالیسم است و با وجود شکست فاحش استراتژی بلوک بندی های نظامی، همچنان در همان راه تلاش می کند. بدنبال اذیت دادن پایگاه خود در ایران و تلاش ستو، اینک امپریالیسم امریکا می کوشد که در افریقای جنوبی با چند کشور دیکتاتوری نظامی امریکایی لاتین، یک اتحادیه نظامی در شرق افریقا، یک اتحادیه نظامی دیگر بنام «همان دریای سرخ» در غرب این قاره، یک اتحادیه نظامی با شرکت مستعمرات پیشین فرانسه و در خاور میانه، بگفته هارولد براون، وزیر دفاع امریکا، «یک سیستم نوین همکاری امنیتی» بر محور اتحاد امریکا - اسرائیل - مصر تشکیل دهد.

سیاست محکوم به شکست

بدینسان، امپریالیسم جهان خوار، بسر کردگی امپریالیسم امریکا، نه فقط با شکست سیاست دالسی پند نکرفته، بلکه بگونه قمار بازی که بدنبال بساختن با حرس به همان بازی ادامه می دهد، با اجرای سیاست شکست خورده و محکوم بشکست خود ادامه میدهد. ناگفته پیداست که باید با این دشمن غدار بشریت به مقابله پرداخت و در این مقابله، نقش مهمی بر عهده جنبش کشورهای غیر متعهد است. این جنبش از همان آغاز پیدایش خود - از جمله در کنفرانس های بلگراد (۱۹۶۱) و قاهره (۱۹۶۴) - در قلمنامه های خود تصریح کرده است که هدف جنبش مبارزه با امپریالیسم، استعمار و استعمار نوین است که سرچشمه تشنج و تصادفات و صلح و امنیت جهانی را در معرض مخاطره قرار میدهند.

تمهد، که دولت ایران آنرا پایه سیاست خارجی خود اعلام کرده، میبایستی مفهوم «بیطرفی مثبت» داشته باشد و نه باصطلاح «موازنه منفی» بین دو سیستم جهانی، یعنی بین سیستم جهانی سوسیالیسم، که دوست و حامی انقلاب و استقلال ملی ماست، با امپریالیسم که دشمن آشتی ناپذیر این انقلاب و این استقلال است. نظریه «موازنه منفی» و یا نظریه «دوری یکسان از دو ابر قدرت»، نظریه ایست برای وادار کردن کشورهای رشد یابنده به خودداری از همکاری با کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی؛ و چون هیچ کشور رشد یابنده ای در این جهان نمیتواند در راه رشد خود بی نیاز از همکاری باشد، معنای علمی نظریه «موازنه منفی» مستگیری در راه همکاری با کشورهای سرمایه داری امپریالیستی است، و این «همکاری»، چنانکه ما ایرانیها خوب آزموده ایم و می دانیم، نتیجه ای جز پذیرش «استعمار نوین» با تمام بدبختی های ناشی از آن نخواهد داشت.

در بین کشورهای «غیر متعهد» تبلیغ و تلقین می شود که این سیاست «موازنه منفی» یا «دوری از هر دو ابر قدرت»، سیاست عدم تمهد «خالص» است و این غیر متعهدین «خالص» باید گروه بندی خود را تشکیل دهند. هدف از این شکر تکیفاتی سیاسی، ایجاد تفرقه و احياناً انشعاب و سپس انشعاب در انشعاب، در جنبش غیر متعهدهاست.

نظریه معیوب و مضر

نظریه «موازنه منفی» و یا «دوری یکسان» نظریه ایست معیوب و مضر، زیرا بر مبنای تصوراتی بنا شده است که با واقعیت، با برخورد علمی به تجزیه و تحلیل خصوصیات و تناسب قوا در عرصه بین المللی کمترین وجه مشترکی ندارد. این چشم بستن بروی واقعیت عینی جهان امروز است، اگر کسی تصور کند که مبارزه بین «دو ابر قدرت» بر سر «تقسیم جهان به منطقه نفوذ» است. این مبارزه نه بر سر «منطقه نفوذ» بلکه بدلیل آنستکه یکی از دو سیستم اجتماعی - اقتصادی (امپریالیسم) هستی خود را بر پایه استثمار و استعمار می تواند حفظ کند و دیگری درست برعکس، دشمن استثمار و دشمن استعمار است و هستی و وجودش بر مبنای نفوکل استثمار و استعمار پیدا و شکوفان شده است. اگر واقعیت جهان را از این دیدگاه بنگریم، آنگاه متوجه میشویم که نظریه «موازنه منفی» و یا «دوری یکسان» از دو سیستم، در عمل، کشور رشد یابنده را از پشتیبان و متحد طبیعی خود جدا می کند و آنرا یکه و تنها در برابر امپریالیسم درنده و عارتگر قرار می دهد. در رد نظریه «دوری یکسان»، که عملاً بهیچوجه یکسان نمی تواند باشد و در واقع برای دوری از دوست و برای نزدیکی با دشمن طرح می شود، این واقعیت را نیز بگوئیم که مناسبات با کشورهای سوسیالیستی بر پایه برابری کامل حقوق و نفع متقابل استوار می گردد و حال آنکه بر قراری چنین روابطی با امپریالیسم محال است. باین دلیل ساده که گرگ نمی تواند علف خوار گردد.

اهمیت و تأثیر این نقش برای امپریالیسم جهانی پنهان نیست و به همین دلیل امپریالیسم، با تمام نیرو و تمام شیوه های رذیلانه ای که در درازخانه سیاست جهان خوارانه نواستعماری خود دارد، در تلاش است که این جنبش را متلاشی کند.

برای رسیدن باین هدف امپریالیسم می کوشد که اولاً جنبش را از محتوای ضد امپریالیستی تهی سازد و بصورت «بیطرفی» در آورد که قادر به مبارزه بر ضد استعمار نوین، بر ضد بی عدالتی در مناسبات اقتصادی و در راه صلح و تنش زدائی نباشد. ثانیاً می کوشد که مناسبات دوستی و همکاری کشورهای غیر متعهد را با کشورهای سوسیالیستی و بویژه اتحاد شوروی بر هم زند و این مناسبات را به تیرگی بکشد. امید امپریالیسم به پیشبرد این سیاست بر این مبناست که از «پاران» درون جنبش بتوان گروهی تشکیل داد، این گروه را بصورت دسته بندی متشکل کرد و سپس بکمک آن، تمامی جنبش را از مسیر مبارزه ضد امپریالیستی منحرف ساخت و آنرا در مسیر «ناظر بی طرف» و سپس سازشکاری سوق داد.

این تلاش، در مباحثات درون جنبش، در پنجمین کنفرانس کشورهای «غیر متعهد» در هندوستان و نیز در کنفرانس تدارک کنفرانس هاوانا، که در کولومبو تشکیل گردید، بنحو بارزی انعکاس یافت و اینک در آستانه تشکیل کنفرانس هاوانا بویژه شدت گرفته است. باید تأکید کرد که چین نیز با تمام نیرو، با بکار بستن «هنر» تزویر و ریا و تطمیع و تهدید در این راه به امپریالیسم کمک می کند.

بدینسان کنفرانس هاوانا، اگر در مجموع گام دیگری در راه گسترش مبارزات ملل علیه امپریالیسم، علیه استعمار نوین، در راه تأمین استقلال ملل، رفع ناپرابری در مناسبات اقتصادی، در راه صلح و تنش زدائی خواهد بود، این کنفرانس در عین حال محکمی است برای شناخت سیاست مشخص هر دولت عضو جنبش؛ شناخت درجه آشتی ناپذیری یا آشتی پذیرگی آن با امپریالیسم، یا بیعبارت دیگر، درجه صداقت آن با عدم صداقت آن در خدمت به خلق و کشور خود.

کنفرانس هاوانا

ایران ما، در چنین شرایطی، در کنفرانس هاوانا شرکت می کند (قاعدتاً میبایستی شرکت کند) و بنا بر این نمایندگی ما باید با سیاست مدون و روشنی، با محتوای استقلال طلبانه و ملی، یعنی ضد امپریالیستی، برای شرکت در کنفرانس معین باشد. در اینجا ناچاریم تأکید کنیم که سیاست «عدم

نمونه دیگری از تصرف زمینهای کشاورزان توسط فئودالها

غلام مصومی یک از فئودالهای منطقه گله دار و جوم در حوالی بندر لنگه، مدتی است به تصرف زمینهای کشاورزان این منطقه پرداخته است و دست به کشتار و غارت اهالی میزند و بگفته یکی از کشاورزان گله دار، تا کنون بیش از صد نفر را به قتل رسانده است. بگفته همین کشاورز، دولت تا کنون نتوانسته (نخواست) برای مقابله با وی اقدامی بعمل آورد. ناهمبده ۷۰ - ۸۰ نفر مزدور مسلح را برای دزدی به استخدام خود در آورده است جلوی این راهزنی مسلح و غارتگری بیشرمانه باید هر چه زودتر گرفته شود. مالک جنایتکار هر جا که باشد باید به مجازات عمل خود برسد تا دهقانان از انقلاب قاطعانه تی حمایت کنند.

- ۷ - اصلاح کادر مؤسسات کشاورزی در خدمت کشاورز،
 - ۸ - اعزام کارشناس مطلع جهت بالابردن آگاهیهای لازم داهداران و کشاورزان منطقه،
 - ۹ - جلوگیری از ورود دامداران مهاجر به منطقه فیروزکوه،
 - ۱۰ - تصمیمی اتخاذ شود که کالاهای مصرفی، مخصوصاً ارزاق عمومی، به قیمت عادلانه و بدون واسطه و دلال بدست کشاورز برسد.
- خواسته های ده گانه دهقانان فیروزکوه نشان میدهد که زحمتکشان روستاها بمسائل و خواسته های حقه خود کاملاً وارد اند و بدرستی در رأس مطالبات، حل مسئله مالکیت زمین بسود دهقانان و قطع دست مالکان بزرگ استثمارگر را قرار میدهند.

اخبار دهقانی

خواسته های کشاورزان و دامداران منطقه فیروزکوه

- در نامه ای که دهقانان فیروزکوه برای مقامات دولتی فرستاده اند، از جمله چنین نوشته اند:
- «نظر باینکه انقلاب اسلامی مردم ایران، با رهبری امام خمینی، پیروزی بزرگی کسب کرده و در این پیروزی تمام خلق ایران سهم بودند، کشاورزان زیر پا مانده شده و فراموش شده ایران خواسته های کلی و منطقه ای را مطرح نموده میداند که رسیدن به این خواسته های مشروع دهقانی و دامداری تنها به کمک دولت انقلابی و فرد کشاورزان صورت خواهد گرفت،
- ۱ - تمام زمینهای کشاورزی باید بدست خود کشاورز سپرده شود،
 - ۲ - از تمام مراتع منطقه باید دامداران خود منطقه استفاده کنند،
 - ۳ - خواستار وام بدون بهره و طولی المدت ازدولت،
 - ۴ - خواستار بندر اصلاح شده و کود شیمیائی و سم ضد آفات نباتات،
 - ۵ - فروش محصولات کشاورزی با قیمت عادلانه و با نظارت اتحادیه کشاورزان منطقه،
 - ۶ - در اختیار گذاشتن وسایل کشاورزی توسط دولت به کشاورزان،

مالک دهقانان را باشلاق کتک زده است

چند روز قبل در یکی از روستاهای استان یزد، بنام «دره زرشک»، حادثه ای اتفاق افتاده است که باور نکردنی است، زیرا در دوران بعد از انقلاب جایی برای آن نمیتواند باشد. بنا به گزارش که رسیده، یکی از مالکان برای سرکشی به ده می رود. در آنجا بین او و دو تن از زارعین درگیری لفظی بوجود می آید. مالک، که مسلح نیز بوده، با شلاق آن دو روستائی را بباد کتک میکشد. اهالی ده پس از باخبر شدن از ماجرا در محل حادثه جمع میشوند و خطاب به مالک میگویند، «دیگر دوران اینگونه کارها به سر آمده است.» مالک که خود را در محاصره روستائیان خشمگین می بیند، اقدام به شلیک تیرهایی میکند و سپس در خانه مخفی میشود. روستائیان چوب و چماق بدست گرفته خانه را محاصره میکنند تا مانع فرار مالک شوند و چند نفر را به شهر می فرستند تا جریان را به کمیته اطلاع دهند. مأموران کمیته به ده می آیند و مالک را دستگیر میکنند و با دستبند به شهر میبرند. در ضمن تفنگ های او را نیز ضبط میکنند. ولی افراد خانواده مالک با استفاده از نفوذ محلی خود و با دادن ضمانت موفق به آزاد کردن او میشوند. روستائیان به این مالک پیام داده اند که چنانچه گذارش بده پیغند، هر چه به بند از چشم خودش دیده است.

در روستای «دره زرشک»، دهقانان خود متحداً عمل کردند و جواب مالک زورگو را کف و دستش گذاشتند. در همه جا دهقانان، اگر با اتحاد و پی گیری عمل کنند، جلوی مالکان حق کش و زورگو را خواهند گرفت.

تدارکات جنگی امپریالیسم آمریکادر منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند

دستگاه عظیم تبلیغاتی و دوائر جاسوسی و وزارت دفاع امپریالیسم جهانخواار آمریکا، با تمام قدرت علیه انقلاب شکوهمند مردم ما بکار افتاده‌اند و از تمام شیوه‌های توطئه، تحریک، تهدید نظامی، شایبه پراکنی و پشتیبانی همه‌جانبه از عناصر ضد انقلاب، بازماندگان رژیم شاه مخلوع و ساواکیها، با هدف تضعیف روند انقلاب و ایجاد تفرقه و پراکندگی در میان نیروهای انقلابی استفاده میکنند.

به موازات این تدارکات جنگی پرشتاب امپریالیسم امریکا، دستگاه تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی غرب نیز در جبهه شایعه‌پراکنی و دروغ‌پردازی وظیفه خود را بخوبی اجرا میکنند، که متأسفانه پاره‌ای از مقامات رسمی و مطبوعات و رسانه‌های گروهی کشور ما نیز بعد ویا از روی ناآگاهی، آب به آسیاب اینگونه تبلیغات امپریالیستی میریزند. همین چندی پیش در مطبوعات غرب اخباری انتشار یافت مبنی بر اینکه پنتاگون (وزارت دفاع امریکا) گزارش محرمانه‌ای تنظیم کرده و به سیاستمداران امریکا ارائه داده است. مضمون این گزارش «محرمانه»، که بلادرنگ در مطبوعات غرب انعکاس یافت، عبارت از آنست که، گویا اتحاد شوروی برنامه «توسه‌طلبی» و گسترش خود در اقیانوس هند را همچنان اجرا میکند.

اما واقعیت امر، که بطور رسمی از جانب دولت شوروی اعلام گردیده، عبارت از آنست که اتحاد شوروی از دولت امریکا دعوت نموده است که مذاکرات مربوط به محدود کردن فعالیت‌های نظامی در حوضه اقیانوس هند از سر گرفته شود. چنین مذاکراتی بنا به پیشنهاد اتحاد شوروی در سال ۱۹۷۷، میان نمایندگان دو کشور آغاز شده بود، که از جانب امریکا بدون هیچگونه دلیلی قطع گردید.

اتحاد شوروی در کنفرانس سازمان ملل متحد پیشنهاد نمود که بعنوان نخستین گام در راه محدود کردن فعالیت‌های نظامی در حوضه اقیانوس هند و تبدیل این منطقه به منطقه صلح و امنیت، از استقرار سلاح اتمی در این منطقه خودداری شود.

هر بار که پنتاگون تصمیم میگیرد که به تشدید مسابقه تسلیحاتی و گسترش تدارکات جنگی در منطقه‌ای از جهان اقدام کند، گزارش‌های «محرمانه» ای درباره «خطر شوروی»، «گسترش حضور نظامی شوروی»، «تفوق نیرو»، «...» و «...» شوروی، و غیره تنظیم و به دولت امریکا ارائه میشود. رئیس گزارش‌های «محرمانه» با هدف مشوب کردن و فریب افکار عمومی در مطبوعات غرب انتشار مییابند.

در ملاقات‌چندی قبل سران دو کشور امریکا و اتحاد شوروی، که در وین بمنظور امضای قرارداد سالت ۲- (محدود کردن سلاح‌های استراتژیکی) برگزار شد، طرفین موافقت کردند که مذاکرات مربوط به مسئله حوضه اقیانوس هند از سر گرفته شود. اما درست سه روز پس از چنین توافقی، در کاخ سفید کنفرانس مشاوران سیاست خارجی رئیس‌جمهور امریکا تشکیل گردید و بدولت امریکا توصیه شد که جهت تقویت نیروهای نظامی و حضور نظامی امریکا در اقیانوس هند تدابیر جدیدی اتخاذ شود!

تدارکات جنگی و تقویت تسلیحاتی و نظامی امریکادر نقاط دیگر این منطقه نیز جریان دارد. در بهار سال جاری، امپریالیسم امریکا، با استفاده از بحران یمن سیل تسلیحات و مستشاران نظامی خود را به یمن شمالی روانه کرد. علت چیست که امپریالیسم امریکا بلافاصله پس از پیروزی انقلاب ایران بیک تدارکات نظامی همه جانبه و پرتبوتایی بویژه در منطقه خلیج فارس پرداخته است؟ سیاستمداران واشنگتن بر این عقیده‌اند که هیچکدام از کشورهای منطقه خلیج فارس و حوضه اقیانوس هند نمیتوانند نقش رژیم شاه مخلوع را برای امپریالیسم امریکا ایفاء کنند و بهمین علت امریکا، پس از سرنگونی این رژیم ضد خلقی و دست‌نشانده خود، مستقیماً در این منطقه وارد عمل شده و نقشه مداخله نظامی مستقیم در این منطقه را طرح ریزی میکند.

برخلاف تبلیغات محافل رسمی امریکا، که گویا نیروی دریایی امریکادر این منطقه مأموریت دفاع و حفاظت آبراههای صدور نفت را انجام میدهند، پنتاگون این منطقه را برای عملیات نظامی گسترده‌ای آماده میکند. نقشه دیرینه پنتاگون در مورد تشکیل و استقرار ناوگان جنگی امریکا در سه اقیانوس اکنون عملی میشود. گروه بزرگی از ناوگان جنگی امریکا، که از ناوگان هفتم و هشتم و دوم امریکا تشکیل یافته و از جمله ناو هواپیمابر «کونستلیش»، اکنون در اقیانوس هند استقرار یافته است. بنا نوشته واشنگتن پست، مجموعه این اقدامات نظامی دولت امریکارا چنین میتوان ارزیابی نمود که امپریالیسم امریکا به سیاست مداخله نظامی مستقیم، بعنوان یک شیوه سیاسی بازگشت نموده است. نیروهای راستین انقلابی از روی این واقیعات است که میتوانند دشمن اصلی و خطر عمده‌ای را که دستاوردهای انقلابی ما را تهدید میکند، بدرستی بشناسند و علیه آن با قاطعیت و پیگیری مبارزه کنند.

اخیراً شرکت‌های بیمه امریکائی، که از بزرگترین منابع تغذیه‌کننده این امپریالیسم جهانخواارند و بر سنا و رئیس‌جمهور و دولت امریکا تسلط دارند و تمام نقشه‌های توطئه‌گرانه خود را بر آنها تمهیل میکنند، منطقه خلیج فارس را یک منطقه جنگی اعلام کرده‌اند. این توطئه دودهنف را تعقیب میکند، از یکسو بالا بردن حق بیمه از کشتی‌های نفتکش که از این منطقه عبور میکنند، از سوی دیگر توجیه تقویت ناوگان جنگی و گسترش حضور نظامی امریکا در این منطقه و زمینه فراهم کردن جهت اعزام نیروهای صدوهزار نفری و ویژه واکنش فوری به این منطقه، که در امریکا تشکیل شده است.

پس از پیروزی انقلاب ایران و بدنبال آن وحدت عمل کشورهای عضو اوپک در بالا بردن قیمت نفت، دولت امریکا بمنظور توجیه اقدامات تحریک‌آمیز و مداخله‌گرانه خود در این منطقه، اعلام نمود که گویا فلسطینیها قصد دارند در تنگه هرمز دست به خرابکاری بزنند.

بسیاری از مطبوعات و ناظران سیاسی این اعلام خطر امریکا را توطئه و بهانه‌ای جهت اعزام نیرو و ناوگان جنگی به این منطقه تلقی نمودند، که رویدادهای بعدی درستی این نظر را تأیید کرد و سازمان آزادیبخش فلسطین نیز وجود نقشه خرابکاری از جانب آن سازمان را با قاطعیت تکذیب نمود.

هدف عمده همه این اقدامات تحریک‌آمیز و توطئه‌گرانه کشور ماست، زیرا پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، نیرومندترین ضربه را بر مواضع اقتصادی و سیاسی و نظامی امریکا در این منطقه وارد ساخته و امپریالیسم امریکا را از تکیه‌گاهی مانند رژیم ضد خلقی و سرسپرده شاه مخلوع، که ژاندارم گوش بفرمان آن در این منطقه بود، محروم ساخته است.

امپریالیسم آمریکا صلح و امنیت خلیج فارس و اقیانوس هند را تهدید میکند

در دسامبر سال ۱۹۷۱، سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای تصویب نمود مبنی بر اینکه اقیانوس هند منطقه صلح و امنیت اعلام شود. این قطعنامه پاسخکوی خواستهای صدها میلیون مردم کشورهای این منطقه بود، که وجود پایگاه نظامی دریائی امپریالیسم امریکا در جزیره دیگو گارسیا را خطری جدی برای خود تلقی میکنند. به‌ابتکار ۳۴ کشور این منطقه، در نیویورک، در سازمان ملل متحد کنفرانسی تشکیل شد که هدفش اجرای عملی قطعنامه سازمان ملل متحد برای تبدیل حوضه اقیانوس هند به منطقه صلح بود.

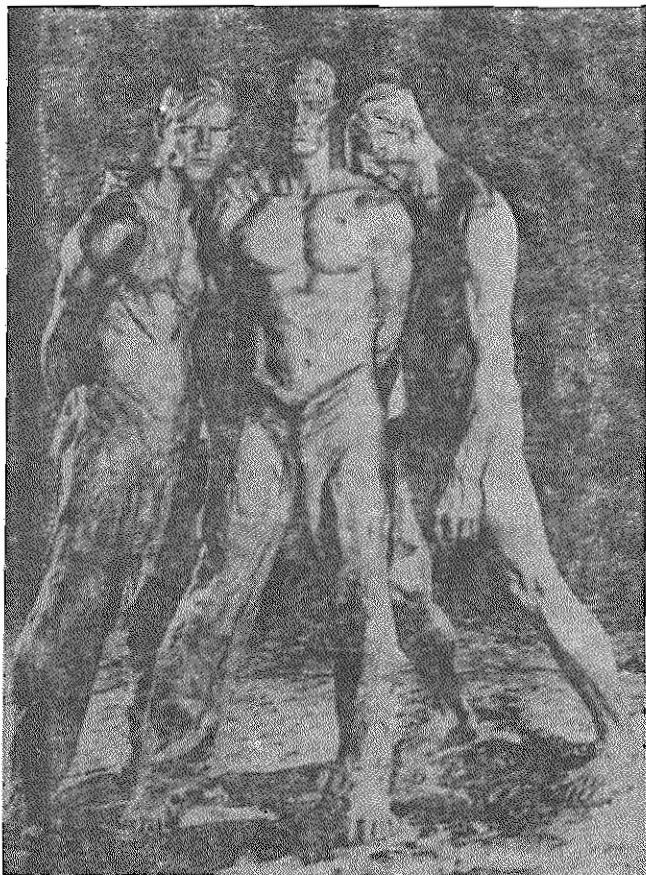
ولی ایالات متحده امریکا نه تنها از نیروهای نظامی و ناوگان خود در این منطقه نکست، بلکه آنرا افزایش داده پایگاه نظامی دریائی خود در جزیره دیگو گارسیا را گسترش داد و آنرا با تجهیزات جنگی تازه‌ای مجهز نمود. تصمیم جدید دولت امریکادر مورد تجهیز این پایگاه نظامی با سلاح هسته‌ای، گام خطرناک جنون‌آمیز تازه‌ایست که در راه توسعه تدارکات جنگی و گسترش حضور نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس و حوضه اقیانوس هند برداشته میشود.

چنانکه در مطبوعات کشورهای حوضه اقیانوس هند انعکاس یافته، ایالات متحده امریکا تلاش دارد که تقویت نیروی نظامی و تدارکات جنگی خود در این منطقه و بویژه تصمیم خود در مورد تجهیز پایگاه دریائی دیگو گارسیا را با سلاح هسته‌ای، طبق معمول با خطر پنداری اتحاد شوروی در این منطقه توجیه کند. اما این تلاشها قطریده استتاری است برای اهداف و نیات واقعی این امپریالیسم تجاوز کار و جهانخواار.

از دست رفتن پایگاههای نظامی امریکا در ایران یکی از علل عمده تشدید اقدامات نظامی و تدارکات جنگی امریکا در این منطقه است. امپریالیسم امریکا پس از تجربه تلخ پیروزی انقلاب ایران، که به تضعیف مواضع سیاسی و نظامی و اقتصادی آن در سراسر این منطقه منجر گردید، با شتابزدگی برای یافتن پایگاههای نظامی جدید و تقویت و گسترش پایگاههای نظامی موجود خود میکوشد.

امپریالیسم امریکا تلاش میکند که برای مداخله سریع و مؤثر در امور کشورهای این منطقه، که احتمال دارد خطری برای منافع آن در آنها پدید آید، امکانات نظامی تضمین شده‌ای در اختیار داشته باشد. روزنامه پترسوت، چاپ هندوستان، مینویسد که، دولت امریکا به همین منظور با رژیم نژادپرست جمهوری آفریقای جنوبی، جهت تبدیل پایگاه نظامی سائیس مون قانون به سرپل پیمان نظامی ناتو در این منطقه، وارد مذاکرات سری گردید. علاوه بر آن، ایالات متحده امریکا پاره‌ای از متفقین اروپای غربی خود در پیمان ناتو را مجبور نمود که ناوهای جنگی خود را به اقیانوس هند اعزام دارند.

رهائی از فاشیسم



تندیس یادبود شهدای اردوگاه «زاکسن‌هاوزن»: من نمیتوانم خاموش بمانم

گروهی از اعضای حزب توده ایران ساکن آلمان فدرال، بنا بدعوت قبلی، از یک اردوگاه مرگ نازی، در ۳۰ کیلومتری برلن، پایتخت جمهوری دمکراتیک آلمان، دیدن کرد.

در این اردوگاه، که «زاکسن‌هاوزن» نام دارد، در ایام جنگ جهانی دوست‌هزار نفر زندانی بوده‌اند. از این عده صد هزار نفر زیر شکنجه و سنا بشر بگلوله از پای درآمده‌اند. ۲۰ هزار نفر از شهدا اتباع شوروی و ۸۰ هزار نفر از اتباع کشورهای دیگر بوده‌اند. یورش بموقع ارتش شوروی، جان بقیه را از مرگ حتی نجات داد.

آثار شوم فاشیسم-شکنجه‌گراها و وسایل شکنجه و چند کوره آدم‌سوزی-در اردوگاه همچنان حفظ شده‌است. قبل از دیدار از قسمتهای

زمان گذشته آن تهیه شده بود. فیلم بعد از تسخیر اردوگاه تهیه شده بود و یکی از فرماندهان چنایتکار طرز کار خود را شرح میداد. در قسمت درمانگاه اردوگاه، انواع آزمایشهای وحشیانه را روی اسرای مریمی انجام میدادند. صدها کیلو دندان و منجمله دندان مصنوعی طلا و خروارها موی سر و انبارهای کتف زنانه و مردانه و بیگانه تهیه شده بود، که در فیلم نمایش داده می‌شد. جالب توجه این است که دو تن از این باصطلاح «پزشکان»، بنامهای «هرمان پوک» دندانپزشک و «هاینس باثوم کوئر»، پزشک داخلی، هنوز در آلمان فدرال مطب دارند و به «انجام وظیفه» مشغول‌اند.

راهنمای گروه، که خود یکی از آلمانی‌های اسیر در «زاکسن‌هاوزن» بوده، با احساسی گرم، چشمت چنایت فاشیست‌ها را در اردوگاه تشریح میکرد. وجود او، با آن موهای سپید، معجزه‌ای بود از زنده ماندن. وقتی که او را اسیر کرده به اردوگاه می‌آوردند، فرمانده اس-اس می‌پرسد: «قبلاً هم زندانی بوده‌ای؟ او میگوید: «چهار بار». فرمانده جواب میدهد: «پس خیلی وقت پیش باید مرده باشی».

در خاتمه بازدید، در کنار گور یادبود شهدای «زاکسن‌هاوزن»، یکی از افراد گروه، ضمن تشکر از راهنما اظهار داشت: «این دسته گل را از طرف عده‌ای از اعضای حزب توده ایران- حزب طبقه کارگر ایران- نثار گور یادبود شهدای ضد فاشیسم میکنم و با اطلاع می‌رسانم که نخستین مرحله فمالت حزب توده ایران، که در زمان جنگ دوم جهانی آغاز شد، بسا نبرد شدید ضد فاشیستی همراه بود.

ما که خود بتازگی با جنبش انقلابی خلق‌های خویش، بسه رهبری امام خمینی، از قید فاشیسم کوچک‌تری، در وجود رژیم شاه مخلوع، رهائی یافته‌ایم، بخوبی درد و مصیبت شمارا در گذشته و تلاش شمارا در حال حاضر بخاطر صلح و سازندگی درک میکنم و امیدواریم که همیاری نیروهای مترقی مبارز باعث گردد که جهان برای همیشه از خطر شوم فاشیسم و استبداد و جنگ رهائی یابد»

از کمک دوستان و رفقا سپاسگزاریم

- ادار از کرکج ۱۰۰۰ ریال
- جمالی (یک خانواده هوادار حزب) ۲۷۵۰ ریال
- یک هوادار حزب در کمربک ۵۰۰۰۰ ریال
- مریم مدیانی (برای حزب روزبه) ۵۰۰۰ ریال
- راما سنندجی ۱۰۰۰ ریال
- ا.ع ۷۰۰۰ ریال
- رضا یک دستگاه ماشین تحریر
- هواداران حزب در کارسروحه (آلمان فدرال) ۵۹۰ مارک آلمان فدرال



پکن: چرخش ۱۸۰ درجه‌ای

خبرگزاری تاس درباره اصطلاح «درخواستی هواکوفنگ» از ایران می‌نویسد: «دیدار «هوا» از ایران، کسه در اوج مبارزات خونین مردم ایران علیه رژیم فاسد شاه صورت گرفت، دیداری برای ادای احترام نبود، بلکه چون میخواست تکیه‌گاهی در خلیج فارس بدست آورد. هواکوفنگ در تهران حتی مدت اقامت خود را تمدید کرد و از سیاستهای شاه مخلوع حمایت کرد. اکنون شش ماه بعد از پیروزی انقلاب ایران، پکن به اصطلاح «درخواستی» میکند و قصد هشتاد درجه چرخش می‌نماید. لازم بتوضیح است که تنگ سیائوپینگ، نایب‌اول نخست‌وزیر چین، مهرماه گذشته، هنگام دیدار از توکیو، خواستار شدت عمل در برابر انقلابیون ایران شده و دست‌آویز مسخره «تهدید شوروی» را مطرح کرده بود.

نیکاراگوئه در راه ساختن زندگی تازه

به گزارش خبرگزاری‌ها، مردم نیکاراگوئه، که دیکتاتوری خون‌آشام‌سوموزا را سرنگون کرده‌اند، اکنون دست‌اندرکار ساختن زندگی نو در کشور هستند. بنا بر گزارش تاس، روزنامه «باریکادا»، ارگان جبهه آزادیبخش سان‌دنیس، نوشته است: «دارگانه‌های موقت در همه شهرها و روستاهای نیکاراگوئه آزاد تشکیل شده است. این ارگانها جریان بازسازی اقتصاد کشور را رهبری میکنند. در شهرها برای مواد مصرفی عمده و مواد غذایی قیمتهای ثابت برقرار شده است. هزاران تن در اولین شبه‌کاردر شهر لون‌فعالانه شرکت کردند. نیروی پلیس سان‌دنیسها تشکیل شده است و وظیفه عمده آن مبارزه با ضدانقلابیون و بویژه پس‌مانده های رژیم سوموزا است. رهبران رژیم انقلابی، که از کوبا دیدن کرده‌اند، گفته‌اند که کوبا آماده است در بازسازی نیکاراگوئه فعالانه شرکت کند.

بعد از نیکاراگوئه، نوبت گواتمالا؟

رژیم نظامی گواتمالا، که قویاً از سوی آمریکا حمایت میشود، با نخستین نشانه‌های قیام عمومی مردم روبرو شده است و ظاهراً بعد از سرنگونی رژیم سوموزا، اکنون نوبت به حاکمان نظامی گواتمالا رسیده است. رژیم گواتمالا می‌خواهد برای کاهش نارضایتی عمومی، فضای سیاسی کشور را «باز» کند (۱) بدون آنکه اساس روابط این کشور با امریالیسم آمریکا دگرگون شود. رهبران نیروهای ترقیخواه گفته‌اند که راه حل مسائل کشور را باید در ایجاد یک دولت دمکراتیک، توزیع عادلانه ثروت و زمین و قطع نفوذ امریالیسم جستجو کرد.

نیکاراگوئه در راه محو سلطه امریالیسم

دولت بازسازی نیکاراگوئه تلاش وسیعی را برای از میان بردن اوضاع آشفته کشور، که میراث دیکتاتوری خانواده سوموزا و سلطه امریالیسم آمریکا است، آغاز کرده است. ۷ بانک خصوصی و همچنین صنایع چوب، معادن و شیلات ملی شده است. همچنین برای مبارزه با بیسوادی و بیماری تلاش گسترده‌ای در جریان است. در ارتباط با این تلاشها کوبا اعلام کرده است که پزشک و آموزگار به نیکاراگوئه می‌فرستد. از سوی دیگر قرار است که موزه‌ای در ماناگوا آکشافی یابد که در آن اسناد و مدارک جنایت رژیم سوموزا، در معرض تماشای مردم گذاشته خواهد شد. مقامات نیکاراگوئه در این میان به آمریکا و چند کشوردیگر اخطار کردند که از کمک به پسر سوموزا، که سرگرم سازمان دادن عوامل رژیم گذشته است، خودداری کنند.

جنایت مشترک اسرائیل و مصر

اسرائیل، به کمک مصر، دست به جنایت تازه‌ای علیه فلسطینی‌ها زده است. دفتر سازمان آزادی بخش فلسطین در لندن اعلام کرده که جاسوسان مصر و اسرائیل در قتل‌زهر محسن رهبر سازمان الصاعقه دست داشته‌اند و طرح این جنایت در جریان دیدار اخیر بکین از مصر ریخته شده است. از سوی دیگر تحریکات اسرائیل در جنوب لبنان نیز ادامه دارد و مواضع فلسطینی‌ها زیر آتش توپخانه قرار می‌گیرد.

رسوایی تبعیض نژادی در چین

رسوایی تبعیض نژادی در چین، علیه دانشجویان آسیایی و آفریقایی، با واکنش خشمناکین کشورها روبرو شده است. خبرگزاری تاس در ارتباط با این مسئله می‌نویسد: «مقامات چینی تلاش کردند مغرب شدن دانشجویان آسیایی و آفریقایی را در شانکهای مسکوت گذارند و آنرا حادثه‌ای نامیده‌اند که یک دانشجوی آفریقایی مسبب آن بوده است.» خبرگزاری تاس تأکید کرده «مردم شانکهای شاهد بوده‌اند که اوباش چینی دانشجویان آفریقایی و آسیایی را در پیکر انستیتوی نساجی زیرمشت ولگد گرفتند و اظهار نظر مقامات پکن در مورد این رسوایی نه تنها قانع کننده نیست، بلکه توهنی به دانشجویان کشورهای روبرو شده است.» تاس نوشته است: «هرچند مقامهای چین می‌خواهند این کشور را دوست کشورهای رو به رشد معرفی کنند، اما حادثه شانکهای وحاشیه مشایبه که اواسط آوریل در «نان‌کینگ» روی داد، نشان میدهد که «شودنیست‌های» چینی، مردم دیگر را اعضای یک نژاد پست‌تر میدانند، که تنها برای کتک خوردن، سرکوب شدن و ناسزا شنیدن مناسب‌اند.»

چرا دولت به افکار عمومی بی‌اعتناست؟

دولت در قبال مردم روش سکوت و مکتوم داشتن حقایق را در پیش گرفته است و با آنکه در همه امور پشتیبانی بی‌قید و شرط مردم را می‌خواهد، ولی عمال مردم را نامحرم میدانند و حقایق را از آنان پنهان میدارد.

ما گوییم، به نمایندگی افکار عمومی، در برابر دولت پرسش‌هایی مطرح کرده‌ایم و از مقامات مسئول خواسته‌ایم به این پرسش‌ها پاسخ دهند و مردم را در جریان دست و قایق بگذارند، امسأ مسئولین امر از همه این پرسش‌ها بی‌اعتنائی گذشته و سکوت را مرجع شمرده‌اند. برای نمونه به برخی موارد اشاره می‌کنیم:

۱- چرا دولت وزارت امور خارجه پرسیده‌ایم، چرا پروتکل سری قرارداد سنتو و ضمانت قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا را انتشار نمیدهد؟

۲- ما از مقامات مسئول دولتی سؤال کردیم: چرا مستشاران نظامی آمریکا، این جاسوسان امریالیسم تا نفر آخر از ایران اخراج نمیشوند و آیا صحیح است که مستشاران اخراجی نیز سز دارند مجدداً با ایران باز میگردند؟

۳- هنگامی که آقای دکتر یزدی وزیر امور خارجه تصریح کرد که حاضر است پیرامون موارد ابهام در سیاست خارجی ایران توضیح دهد، ما سه سؤال بشرح زیر مطرح کردیم:

۱- چرا برقراری مناسبات سیاسی با دولت لیبی دچار تعویق شده است.

۲- چرا در حالیکه قرارداد ۵۰ ساله مناسبات دیپلماتیک میان ایران و جمهوری

۳- چرا دولت ایران به برقراری مناسبات سیاسی میان ایران و کوبا اقدام نمی‌کند؟

آقای وزیر امور خارجه، با وجود اعلام آمادگی، هنوز به این سؤالات پاسخی نداده‌اند.

۴- ما از دولت پرسیدیم، به چه علت به ایرانیان مقیم کشورهای سوسیالیستی، که علاقمند به مراجعت به ایران هستند، گذرنامه سیاسی داده نمیشود؟

۵- ما از مقامات مسئول دولتی سؤال کردیم: لیست ساواکی‌هایی را که در دست دارد، چرا منتشر نمیکنند تا مردم این جانان و خائنان را با نام و رسم بشناسند و جلو خرابکاریها و توطئه‌های آنانرا سد کنند؟

۶- هنگامی که وزیر امور خارجه در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت که در مورد خیانتهای بختیار حقایقی برای گفتن دارد، ما پرسیدیم، چرا این حقایق را افشاء نمیکنند و مردم را در جریان خیانت‌های مرد نابکاری که امروز ضد انقلاب دعکس و تفصیلات» اورا به صفحات روزنامه‌ها کشانده است، نمیگذارند؟ این پرسش نیز بی‌پاسخ ماند.

۷- ما از دولت خواستیم که نتیجه تحقیقات خود را درباره ترورهای اخیر: ترور سپهبد قهرنی، آیت‌الله مطهری، حجت‌الاسلام رفسنجانی انتشار دهد تا مردم بدانند کدام دست خیانت‌پیشه‌ای این ترورها را سازمان داده است؟

۸- ما از مقامات مسئول دولتی سؤال کردیم، آیا درست است که بانک امریکائی «چیس مانهاتان» بیش از ۱۰ میلیارد دلار پول ایران را توقیف کرده است؟ دولت ایران سؤال مارا نیز مسکوت گذارد و چند روز پیش رادیو تهران خبری به این مضمون انتشار داد که دولت امریکا معتقد است، سپرده‌هایی که شاه مخلوع بعنوان پیش‌خرید اسلحه، در بانکهای امریکا گذارده است، کافی است که خسارت انحصارات اسلحه‌سازی امریکارا، که بر اثر لغو قراردادهای خرید اسلحه از سوی ایران، میلیاردها دلار زیان دیده‌اند، جبران کند.

۹- واکنون می‌پرسیم: آیا این همان ۵۰ میلیارد دلار پول ایران نیست که بسانک چیس مانهاتان توقیف کرده است؟ در قبال این اقدام جنایتکارانه امریالیسم آمریکا، علیه انقلاب ایران، دولت چه واکنشی نشان داده است؟

۱۰- مردمی که با فداکاری و ایثار بیدریغ انقلاب را بارور ساخته و دولت کنونی را به قدرت رسانده‌اند، ظاهراً از نظر مسئولین امر غریبه‌اند و حقایق از آنان کتمان میشود. شیوه‌ای که دولت در پیش گرفته است، در شأن دولت انقلاب نیست و موجب شکاف میان دولت و مردم خواهد شد. جلب اعتماد مردم گرانیهاترین پشتوانه برای هر دولت ملی است؛ نباید آنرا باسانی از دست داد.

چه کسانی، چرا، بدستور کی، مانع فروش مردم میشوند!

واکنش مردم

درس خوبی به نفاق افکنان

این نامه به هیئت تحریریه «مردم» رسیده است.

«من، یاسمن الف، به اتفاق برادر کوچکم روزبه، تقریباً هر روز، بعد از فراغت از کار روزانه، از ساعت ۹ الی ۹ شب، برای فروش روزنامه‌های حزب در خیابان فعالیت میکنیم.

اکنون مردم عزیز ما با شوری بیشتر، از روزنامه‌های ما استقبال میکنند. البته گاهی اوقات هم با مخالفین روبرو میشویم، که اکثرشان همان گروهکهای قارچ سمی هستند. لیکن در تاسریخ ۵۸/۵/۷، ساعت ۷/۵ غروب، در خیابان سی‌متری، میدان انقلاب، موقع فروش روزنامه، اتومبیلی بسرعت، به قصد زیر گرفتن من، بطرف من تها که گرفت که اگر هشیاریم نبود، مرا بر حمانه مصدم میکرد. این ناجوانمرد ضد انقلابی وقتی با اعتراض من روبرو شد، وقیحانه یکبار دیگر عقب عقب آمد و بازم قصد قبلی خود را داشت، که همان مردم خوب و عزیز ما به طر فدااری از من بهراندند. بشدت اعتراض کردند، و او ترجیح داد که فرار کند.

شد انقلابی‌های بی‌خرد باید بدانند که هیچ عمل ضد انقلابی و ساواک‌گونه نمیتواند ما را از راه روشن خود باز دارد، چون ما سوگند خورده‌ایم که تا پای جان به خاطر آرمانهای حزب خود بکوشیم. تکرار میکنم ما به خون پاک شهدای عزیز خود سوگند خورده‌ایم.

بقیه در صفحه ۹

ژاندارمی دیگر در منطقه

امریالیسم آمریکا، در پی ضربه گویج کننده‌ای که انقلاب ایران بر پیشکش وارد ساخته، سخت به دست و پا افتاده است. خبرگزاری‌ها گزارش میدهند، پنتاگون تصمیم گرفته است که به عربستان کمک کند تا این کشور تعداد نظامیان گارد ملی خود را به دو برابر افزایش دهد. زمامداران امریکامی‌خواهند یک میلیارد دو بیست میلیون دلار دیگر اسلحه به عربستان «قالب کنند». آمریکادر سال جاری حدود پنج میلیارد دلار اسلحه به عربستان فروخته است. آمریکا پس از آنکه رژیم سر سپرده محمد رضا پهلوی را بر اثر قیام مردم ایران از دست داد، اکنون برای پاسداری منافع خود در خلیج فارس متوجه عربستان سعودی شده است.

خشونت نژاد پرستان

رژیم‌های نژاد پرست در آفریقا، در مقابل گسترش مبارزات سیاهان، بیش از پیش به خشونت متوسل میشوند. مقام‌های نژاد پرست آفریقای جنوبی، در هفته‌های گذشته، هزاران نفر از زمین پرستان وابسته به سازمان خلق آفریقای جنوب غربی (سواپو) را بازداشت کرده‌اند. کورت والد هایم دبیر کل سازمان ملل این اعمال خود سرانه را شدیداً محکوم کرده است. در روزهای اخیر مبارزه جبهه زمین پرستان با نظامیان سالیسبوری با شدت ادامه دارد. به گزارش خبرگزاریها در زد و خورد های اخیر ۲۲ تن کشته شده‌اند.

همکاری فعال اسرائیل و راست گرایان

همکاری اسرائیل با راست گرایان لبنان در جنوب این کشور علیه فلسطینی‌ها و نیروهای ترقیخواه لبنان بی‌وقفه ادامه دارد. خبرگزاری تاس گزارش میدهد که اسرائیل در روزهای اخیر سلاح‌های مدرن در اختیار افراد مسلح راستگرا، به رهبری سرگرد حداد، قرارداد ۱۳۰ محل برای استقرار توپخانه در مناطق تحت تصرف راست گرایان تأسیس کرده است.

از سوی دیگر رویتر در گزارشی اعلام کرده که راست گرایان باردیگر مواضع فلسطینی‌ها را مورد حمله قرار داده‌اند. هدف آمریکا و اسرائیل آن است که مستقیماً و یا از طریق ایادی خود، مانند سرگرد حداد، جنبش آزادی بخش فلسطین را از جنوب لبنان وادار به عقب نشینی کنند.

سرمایه‌داری وستم بر کارگران خارجی

تبعیض علیه کارگران خارجی در جمهوری فدرال آلمان با توجه به افزایش بحران در جهان سرمایه‌داری، ابعاد تازه‌ای بخود گرفته است. فدراسیون کارگران ترک در آلمان فدرال، در بیانیه افشاگرانه‌ای اعلام کرده که حدود یک میلیون تن از کودکان کارگران خارجی در آلمان فدرال، در شرایط اسفباری زندگی میکنند. یک سوم از این تعداد نمیتوانند به مدرسه بروند و دو سوم دیگر نیز بخاطر فقر شدید هرگز تحصیلات خود را بنیایان نمیرسانند.

تورم بیسابقه در آمریکا

بحران اقتصادی، بویژه تورم بیکاری، در دنیای سرمایه‌داری غرب ابعاد گسترده تری میگیرد. خبرگزاری‌ها گزارش میدهند که افزایش نرخ تورم در آمریکا، بیش از سیصد درصد بوده، که در ۲۸ سال گذشته بیسابقه بوده است. تورم با بیکاری فزاینده نیز همراه شده است.

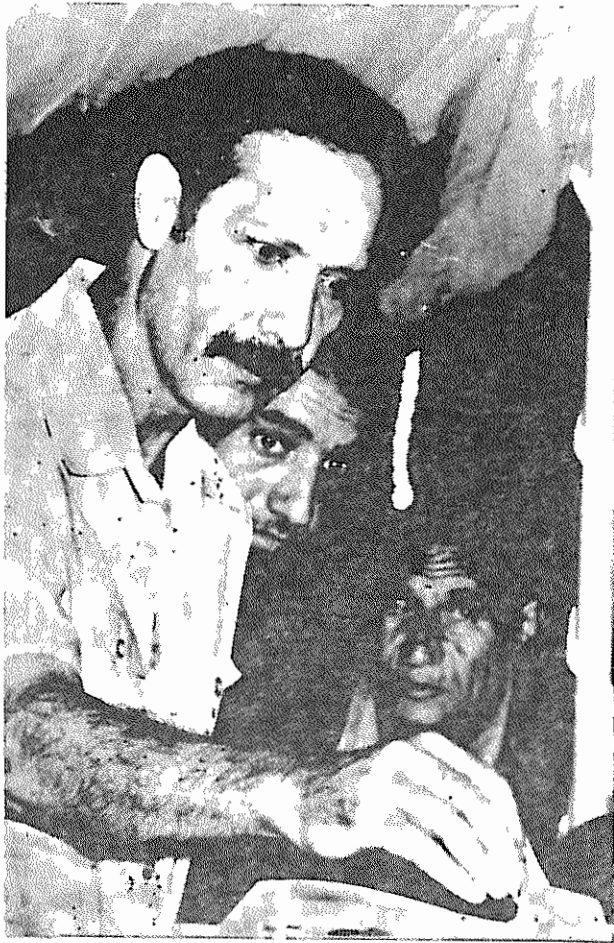
افشاء ماهیت مسئله «آوارگان» ویتنامی

چین فوندا، هنرمند معروف آمریکایی، امریالیسم آمریکارامسئول ایجاد شرایطی دانست که به مسئله «آوارگان» دز هند و چین منجر شده است. سنای ایالت کالیفرنیا، انتصاب چین فوندا را بعنوان عضو کمیسیون هنر ایالت، بخاطر «ملاحظات سیاسی» زد نموده و اعلام کرده است که چین فوندا، بخاطر مخالفت با تجاوز آمریکا در ویتنام، نمی‌تواند عضواً این کمیسیون باشد. هنرمند آمریکایی مبارزه افترا آمیز علیه ویتنام را در مورد مسئله «آوارگان» افشا کرده است.

شباهت تاکتیک‌های ضد انقلاب

دولت کامپوچیا اعلام کرد که خرابکاران وابسته به دارودسته سرنگون شده «پول پوت- ینکساری» در مزارع برنج خرابکاری می‌کنند و در چند مورد مزارع را آتش زده‌اند. عوامل خمر سرخ، بگفته دولت کامپوچیا، دز چند مزرعه بمب و مین کار گذاشتند. هدف ضد انقلاب در کامپوچیا آن است که با ایجاد وحشت، قحطی بوجود آورد. نیازی به گفتن نیست که در ایران نیز ما شاهد تلاش مشابهی از طرف عوامل رژیم سرنگون شده پهلوی هستیم.

میلیونها ایرانی، در انتخابات شرکت کردند



رفیق محمدعلی عمونی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، نامزد نمایندگی مجلس خبرگان از تهران، هنگام رای دادن.



رفیق صابر محمدزاده، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نامزد نمایندگی مجلس خبرگان از تهران، هنگام رای دادن.



رفیق عباس حجری بجنستانی، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نامزد نمایندگی مجلس خبرگان از تهران، هنگام رای دادن.

میلیونها ایرانی در سراسر کشور به پای صندوق‌های رای رفتند و آراء خود را برای انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان، که وظیفه دارند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را تدوین کنند، به صندوقها ریختند.

بر اساس گزارش‌های خیر نگاران «مردم»، از ساعت ۶ بامداد پیروز، همزمان با گشایش حوزه‌های اخذ رای، مردم در سراسر کشور به پای صندوقها رفتند. پاسداران مسلح از حوزه‌ها نگهبانی می‌کردند و هر حوزه، بطور کلی به دو قسمت ثبت نام و دریافت برگه رای، و محل انداختن رای به صندوق تقسیم شده بود. در قسمت اول، مسئول ثبت نام با دریافت شناسنامه رای دهنده، نام او را می‌خواندند و فرد دیگر در ورقه‌های جداگانه، نام رای دهنده را ثبت می‌کردند. بعد از ثبت نام، رای دهنده پای برگه خود را امضاء میکرد و یکی از مسئولان با بریدن قسمت مربوط به نوشتن نام نامزدها، برگه را به او میداد. رای دهنده در این موقع اسامی نامزدهای خود را روی برگه می‌نوشت، و بعد از اینکه شناسنامه اش مهر میشد، آن را به صندوق می‌انداخت.

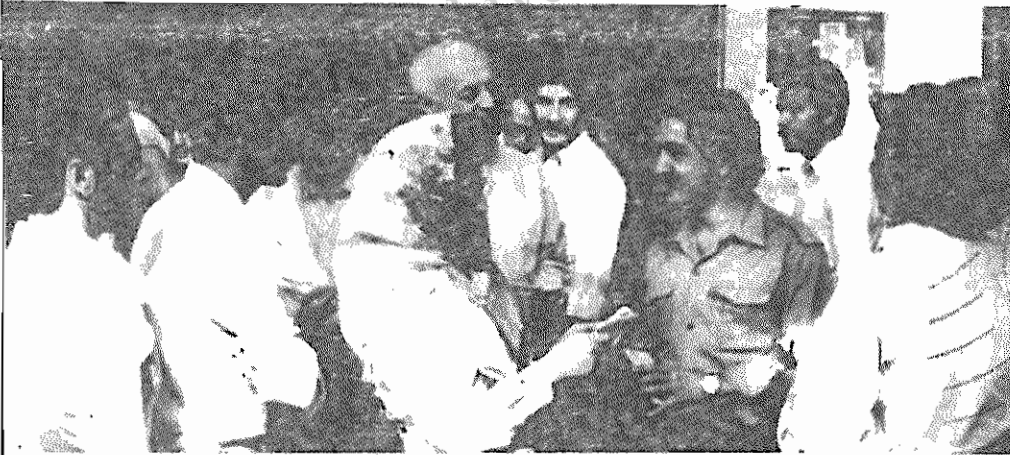
بر اساس اخباری که خبرنگاران «مردم» برای ما فرستاده‌اند، با اینکه مراجعه به حوزه‌ها از اولین لحظات رای گیری آغاز شده بود، تا پایان رای گیری، صف‌های طولانی در مقابل حوزه‌ها دیده میشد، که خبر از حضور وسیع مردم در انتخابات میداد. شرکت مردم بطور نوادگی در انتخابات و بحث درباره نامزدها در صف انتظار حوزه‌ها، تا آخرین لحظه، از نکات جالب انتخابات دیروز بود.

نامزدهای حزب توده ایران رای دادند

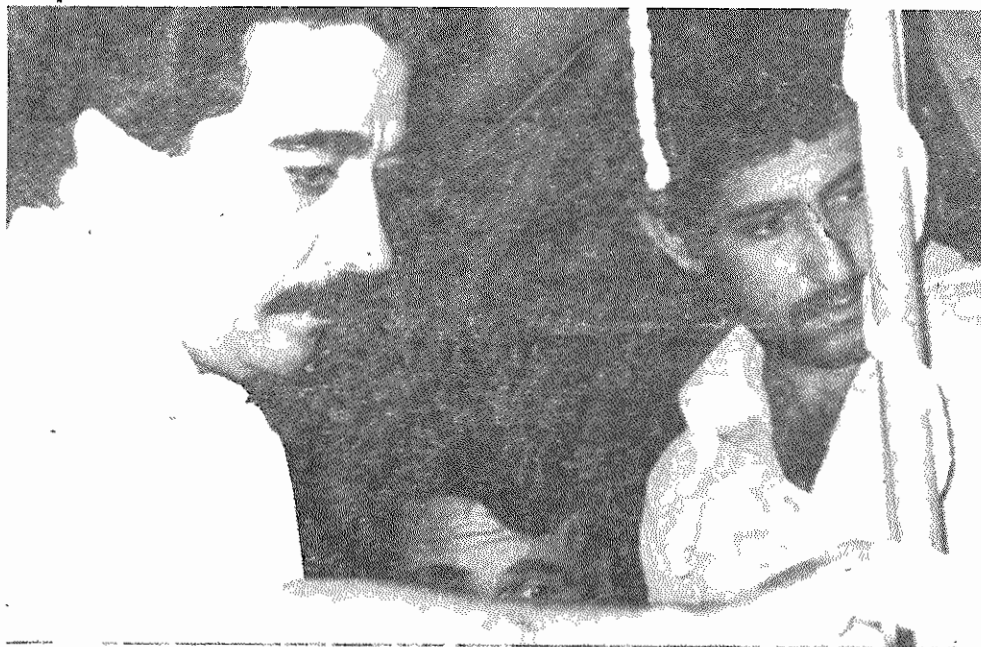
نامزدها، اعضاء، هواداران و دوستان اراداران حزب توده ایران، که وسیعاً در کارزار انتخاباتی شرکت کرده‌اند، همراه با میلیونها ایرانی، آراء خود را برای انتخاب نمایندگان مجلس خبرگان به صندوقها ریختند.

نامزدهای حزب توده ایران، رفقا احسان ظهیری، محمدعلی عمونی، عباس حجری، مریم فیروز، آصف زرم‌دیده و صابر محمدزاده از تهران، در حوزه انتخابیه شماره ۱۷۲۷، به پای صندوق رفتند و آراء خود را به صندوق انداختند.

رفقای دیگر مسأ، که در شهرستانها برای شرکت در مجلس خبرگان نامزد شده‌اند، در حوزه‌های انتخابیه خود رای دادند. بر اساس گزارش‌های رسیده،



رفیق مریم فرمانفرمایان (فیروز)، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نامزد نمایندگی مجلس خبرگان از تهران، آماده رای دادن.



رفیق آصف زرم‌دیده، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، نامزد نمایندگی مجلس خبرگان از تهران، هنگام رای دادن.

خبر نادرست روزنامه کیهان درباره میتینگ انتخاباتی حزب توده ایران

میتینگ بزرگ انتخاباتی حزب توده ایران عصر چهارشنبه دهم مرداد، با حضور دهها هزار نفر در زمین چمن دانشگاه تهران برگزار شد. همانطور که در گزارش امروز «مردم» آمده روزنامه‌های اطلاعات و بامداد هم در شماره روز پنجشنبه خود نوشتند، این گردهمایی بزرگ با سخنرانی ۳ تن از نامزدهای حزب توده ایران، با موفقیت کامل بانجام رسید و در پایان مراسم، دهها هزار نفر با نظم و آرامش زمین چمن دانشگاه را ترک گفتند. در طول مراسم، عناصر ضد انقلابی، که وظیفه برهم زدن اجتماعات نیروهای مترقی را به عهده گرفته‌اند، سعی کردند اجتماع را بهم بزنند، اما هوشیاری رفقای انتظامات حزب توده ایران و همکاری صمیمانه پاسداران مانع از آن شد که این عناصر بمقصد خود برسند. در جریان حمله عناصر ضد انقلابی، پاسداران یک بار مجبور شدند با شلیک تیر هوایی آنها را متفرق کنند. دهها هزار نفر که در مراسم حضور داشتند، در جریان تیراندازی با شعار «دروغ برجیبه متحد خلق ما»، پاسخ دندان شکنی به ضد انقلابیون دادند و بدنبال آن، بی آنکه جمعیت انبوه دچار کوچکترین تفرقه‌ای شده باشد، مراسم ادامه یافت و رفقا مریم فیروز و احسان ظهیری سخن گفتند. متأسفانه روزنامه کیهان این واقعیت را، که دهها هزار نفر شاهد آن بوده‌اند، تحریف کرده، و در حالیکه از قول خبرگزاری پارس گزارش کوتاهی از این مراسم داده، که در آن بخشی از سخنان رفیق ظهیری، یعنی آخرین سخنران گردهمایی را نقل کرده، از قول خبرنگار خود اضافه کرده است که، «دیروز میتینگ انتخاباتی حزب توده که در دانشگاه تهران ترتیب یافته بود، با تشنج و درگیری شدید بهم خورد، و افزوده است: «ناگهان صدای شلیک برخاست و جمعیت هر اسان را بشدت متفرق کرد. عده‌ای از جمعیت با شنیدن صدای شلیک یا بفرار گذاشتند و عده‌ای باقی ماندند که سرانجام با دخالت افراد کمیته و پاسداران، قضیه فیصله یافت، منتها سخنرانی ادامه نیافت.» هر چند روشن نیست که چرا روزنامه کیهان خبر میتینگ انتخاباتی حزب توده ایران را به اینصورت، آنهم به گونه‌ای که خوانندگان گمان کنند خبر از قول خبرنگار پارس نقل شده است، به چاپ رسانده است، ولی در حال تحریف واقعیتی که دهها هزار نفر شاهد آن بودند، به روشنی مخالف مبادله آزادانه اخبار و انعکاس درست وقایع است که انقلاب ایران از هر روزنامه نگاری طلب میکند. ما ضمن تکذیب این خبر، بادیدیکر از روزنامه نگاران میخواهیم که در شرایط حساس امروز ایران، با مسئولیت بیشتری به درج وقایع و اخبار بپردازند.

ریگای کوردستان (راه کردستان) منتشر میشود

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق